

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

(صفحات ۹۱ تا ۱۳۰)

DOR:20.1001.1.17358663.1401.17.51.6.1

نوع مقاله: پژوهشی

علیرضا نصیری فیروز^۱ * خدایار ابیلی^۲ * محمدرضا کرامتی^۳ * جواد پور کریمی^۴

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

چکیده

به خاطر پویایی پدیده فرهنگ، آشنایی کامل سیاست‌گذاران با معیارها و نشانگرهای مدنظر در ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی یک راهبرد نوآورانه است تا بتوانند به نیازهای اجتماعی و موضوعات چالشی پاسخ دهند. ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی در کشور ما علی‌رغم وجود نهادها و دستگاه‌های مختلف، فاقد الگوی بومی است. پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی انجام شد. این مطالعه به روش آمیخته (کیفی- کمی) دنبال شد. در بخش کیفی از روش فراترکیب یافته‌های پژوهش‌ها در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۹ استفاده گردید. مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۹ نفر از خبرگان انتخاب‌شده با نمونه‌گیری هدفمند برای پلایش، راستی‌آزمایی و اعتبارسنجی نشانگرها صورت گرفت. در نهایت سه معیار شامل (۱) تناسب به همراه (۲) عامل، ۵ ملاک، ۱۰ نشانگر (۲) کارایی (۳ عامل، ۷ ملاک، ۱۶ نشانگر) (۳) اثربخشی (۳ عامل، ۷ ملاک، ۱۶ نشانگر) به‌عنوان الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی شناسایی شدند. در مرحله کمی، برای آزمون الگو از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. جامعه آماری شامل اعضای هیات علمی به تعداد ۳۱۶۳ نفر بود که با استفاده از جدول مورگان ۳۴۱ نفر به روش نمونه‌گیری نسبتی برای هر یک از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی و الزهرا به ترتیب ۲۴۱، ۵۹ و ۴۱ نفر انتخاب شدند. پرسشنامه محقق ساخته منتج از داده‌های بخش کیفی در طیف لیکرت برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز طراحی شد. روایی (صوری، تحلیل منطقی محتوی و تحلیل عاملی) جهت بررسی کیفیت و دقت پرسشنامه به‌کاربرده شد. از آلفای کرونباخ (۰/۹۴) برای سنجش پایایی استفاده گردید. در نهایت روایی و پایایی تایید شدند. برای آزمون الگو و بررسی داده‌ها، ۳۱۳ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم نشان داد که عامل‌های هشتمگانه دارای بار عاملی کافی جهت پیش‌بینی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی هستند. بنابراین، ۳ معیار، ۸ عامل، ۱۹ ملاک و ۴۲ نشانگر می‌توانند الگوی بومی‌سازی شده ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی را شکل دهند و نتایج مفیدی در جهت شناسایی، اصلاح، بهبود و ارتقا فراهم آورند.

واژگان کلیدی: الگوی ارزیابی، سیاست‌گذاری فرهنگی، مؤسسات آموزش عالی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استاد، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۱- بیان مسئله

دو رویکرد در ارتباط با سیاست‌گذاری و فرهنگ وجود دارد. رویکرد لیبرال با انگیزه حفظ و دفاع از آزادی انسانی که امر برنامه‌ریزی را غیرممکن و نامطلوب می‌داند و رویکرد فراگیر و تمامیت‌خواه که بر ضرورت برنامه‌ریزی دقیق به‌ویژه در حوزه فرهنگ تأکید دارد (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۸۹). جهان‌بین (۱۳۹۷: ۱۲۳) در تکمیل این دو رویکرد، نگاه معقول اسلامی و طرح باغبانی فرهنگ آیت‌الله خامنه‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد که در عین تأکید بر عنصر فطرت و وجود کتاب و سنت، مدیریت فرهنگ را ممکن می‌داند. ایشان با توجه به اصل آزادی، ضمن پرهیز از یکسان‌سازی فرهنگی، معتقدند که انسان فطرتاً تمایل به کمال دارد و لذا حکومت وظیفه دارد هم محیط مناسبی برای رشد بذور وجود انسان ایجاد نماید و هم برای بالفعل کردن این استعدادها به انسان کمک کند. از نظر توفیقی (۱۳۹۸) رشد کمی آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به خاطر سیاست‌گذاری‌های شتاب‌زده و حول دانش جلسه‌ای گرچه بی‌ارزش نبوده، ولی تناسب، کارایی و اثربخشی لازم برای بلندمدت را نداشته است، بنابراین نوعی روزمرگی و تصمیم‌گیری واکنشی را به همراه داشته است. از معایب تصمیم‌گیری جلسه‌ای، فرایندی و علمی نبودن تصمیمات اتخاذشده و نبود الگوی ارزیابی کارآمد است. گرجی پور و همکاران (۱۳۹۸: ۴۸-۴۶) معتقدند در صورت وجود الگوی ارزیابی، می‌توان موانع و مشکلات را شناسایی کرد و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کرد. از نظر آن‌ها استفاده از الگوهای غیربومی، ناسازگاری و انتقال ناپذیری به فرهنگ و نیازهای داخلی را در پی داشته است. از نظر نوید ادهم و همکاران (۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۳۵) ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور ما علی‌رغم وجود نهادها و دستگاه‌های متعدد فاقد الگوی بومی است. اکثر الگوهایی که گاهاً مورد استفاده قرار می‌گیرند، وارداتی و ترجمه‌ای هستند که فرهنگ زادگاه خویش را به همراه داشته و متناسب با اقتضات آن دیار و در پاسخ به نیازها و مسائل آن زمان طراحی و تدوین شده‌اند. فراستخواه (۲۰۱۳: ۳۰۳-۲۹۷) کالایی شدن، نخبه‌گرایی، آموزش بانک‌گونه، قرار گرفتن آموزش در خدمت گروهی خاص و ایدئولوژیک شدن آموزش را بزرگنمایی کرده و معتقد است سیاست‌گذاری فعلی کمتر عقلانی- اجتماعی و بیشتر سیاسی است و از پژوهش‌های میدانی بهره نمی‌گیرد. الگوهای ارزیابی موجود همانند الگوهای ارزیابی آموزشی به نشانگرهای کمی توجه بیشتری مبذول داشته‌اند و نشانگرهای کیفی و هنجاری فرهنگ مورد غفلت قرار گرفته‌اند. بنابراین،

از نظر باروت کوب زاده (۱۳۹۰: ۴۳۰)، کیفیت، اثربخشی، کارایی، انعطاف‌پذیری و شفافیت خدشه‌دار شده است. به‌رغم رشد تحقیقات ارزیابی از دهه ۱۹۶۰، یک سنت مطالعاتی قوی درباره‌ی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی شکل نگرفته است. مباحث نظری و فنی ارزیابی، بدون ارائه‌ی یک الگوی خاص و برآمده از دیدگاه صاحب‌نظران و آن‌هم به‌صورت ترجمه‌ای و تالیفی است (ایلی، ۱۳۷۶؛ هاوالت و همکاران، ۲۰۰۹؛ الوانی، ۱۳۹۱؛ صالحی امیری و همکاران، ۱۳۸۷؛ فراستخواه، ۱۳۸۸؛ اشتریان، ۱۳۹۱؛ ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۴؛ گرجی پور، ۱۳۹۸). این مطالعات بیشتر ارزیابی را در کنار سایر مباحث عمومی موردبحث قرار داده‌اند. این در حالی است که ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی آن‌هم در قالب یک الگوی بومی برآمده از نظر صاحب‌نظران و تصمیم‌گیرندگان فرهنگی می‌تواند به شناسایی موانع و مشکلات فرهنگی و نیازهای عصر جدید پرداخته و ضمن ارائه راه‌حل‌ها و اقدامات مقتضی به ارتقا و بهبود سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی کمک کند. الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش عالی به‌صورت جزئی-تدریجی (الوانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷) نوعی مهندسی فرهنگی به‌صورت دانش جلسه‌ای (توفیقی، ۱۳۹۷)، رأی‌گیری قیام و قعودی (ذاکر صالحی، ۱۳۹۷) بوده و ارزیابی موسمی و پراکنده (ایلی، ۱۳۷۶) را به دنبال دارند. بنابراین، وجود الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف پرداخته و نوعی اصلاح، بهبود و ارتقای سیاست‌گذاری را در کنار پاسخگویی به همراه داشته باشد. فراستخواه (۱۳۸۹) به قوانین و سیاست‌های نانوشته در الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی که مصنوعات و نمادها را هدایت می‌کنند، اشاره کرده و نیاز به بازتعریف نقش و تغییر اساسی در ساختارها برای تحول پارادایمی دانشگاه‌ها را ضروری می‌شمارد. به‌طور کلی مسائل و پیشران‌های طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد: خلا مطالعه قوی و نظام‌مند در زمینه‌ی ارائه الگوی بومی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی، مخدوش شدن رسالت‌های فرهنگی آموزش عالی در نبود نظارت و ارزیابی، مغفول ماندن نظارت و ارزیابی در سیاست‌گذاری فرهنگی و نگاه ابزاری و کنترلی به فرهنگ، روزمرگی، سلیقه‌ای عمل کردن و تصمیم‌گیری واکنشی به‌جای سیاست‌گذاری فراکنشی، استفاده ضعیف از نتایج پژوهش‌های دانشگاهی در سیاست‌گذاری فرهنگی، غفلت از شناسایی مسائل محوری ذینفعان در نبود نشانگرهای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی، نگاه کمی به ارزیابی و ضرورت در نظر

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

گرفتن نشانگرهای کیفی سیاست‌گذاری فرهنگی. به مسائل فوق می‌توان ضعف در مسئله شناسی، راه‌حل‌های تاریخ‌مصرف گذشته، عدم مشارکت ذینفعان و کنشگران در مشروعیت بخشی، نبود استانداردها و مؤلفه‌های توافق شده برای ارزیابی را اضافه کرد. ضرورت این مطالعه آشنایی سیاست‌گذاران با معیارها، عوامل، ملاک‌ها و نشانگرهای ارزیابی در قالب یک الگو بود تا انتظارات از آن‌ها مشخص و اطلاعات مرتبط جهت شناسایی، بهبود، ارتقا و درنهایت پاسخگویی فراهم گردد. در پاسخ به مسائل فوق و نیاز به الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی سؤالات پژوهشی زیر مطرح شد: (۱) نشانگرهای الگوی مطلوب ارزیابی سیاست‌گذاری مؤسسات آموزش عالی کدامند؟ (۲) مؤلفه‌های (معیارها، عامل‌ها، ملاک‌ها و نشانگرها) الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی فوق کدامند؟ (۳) از نظر صاحب‌نظران، الگوی طراحی شده تا چه اندازه از تناسب لازم برخوردار می‌باشد؟ (۴) الگوی طراحی شده برای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی تا چه اندازه از اعتبار لازم برخوردار می‌باشد؟

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱- ادبیات تجربی

مطالعات پیشینه پژوهش در زمینه‌ی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی نشان می‌دهد که ادبیات مذکور چندان غنی نبوده و آثار منتشره بیشتر جنبه تألیفی داشته و به مباحث فنی ارزیابی در فقدان تحلیل‌های کیفی پرداخته‌اند. بنابراین، برای تحلیل ادبیات نیازمند بهره‌گیری از زیرساخت‌های نظری سایر حوزه‌های مطالعاتی مرتبط هستیم. نگاهی به پیشینه بحث موردنظر نشان می‌دهد که اغلب مباحث مطرح شده در این زمینه دارای رویکرد سیاسی هستند و بیشتر مطالعات صرفاً به ارزیابی برنامه‌های فرهنگی پرداخته و توجه اندکی به تدوین سیاست‌ها و نتایج فعالیت‌های فرهنگی داشته‌اند. در پیشینه پژوهش، ابتدا نظر نویسندگان مقالات، کتب و پایان‌نامه‌ها ارائه، سپس شکاف‌ها و خلأهای مطالعاتی استخراج و درنهایت تمایز پژوهش انجام شده با سایر پژوهش‌ها درج شده است.

خواجه سروی و همکاران (۱۳۹۱) به طراحی و اجرای الگوی عمومی ارزیابی پیشرفت فرهنگی مؤسسات آموزش عالی پرداختند. از نظر آنان، بررسی، تحلیل و سنجش عملکرد در حوزه‌های خاص و کیفی فرهنگی - اجتماعی، علاوه بر تازگی و ضرورت اجرا، نیازمند

روش‌شناسی‌های ویژه، به‌منظور پیاده‌سازی است. این مقاله به بررسی مدل وزندهی و نیز روش ارزیابی و سنجش نشانگر پیشرفت با رویکرد خاص به چارچوب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و تحلیل ناشی از اجرای الگو و بررسی موردی مؤسسات آموزش عالی و ارائه الگوی خطی پرداخته است.

حقیقی کفاش و همکاران (۱۳۹۱) به ارزیابی عملکرد سازمان‌های فرهنگی پرداختند. از نظر آنان، پراکندگی، نبود تعریف جامع و مشخص از فرهنگ، ماهیت کیفی و مفهومی فرهنگ را نشان می‌دهند. آن‌ها در ارزیابی خود به تفصیل از نشانگرهای بینشی (رضایت از شغل، عدالت‌خواهی)؛ نشانگرهای مصرف کالا و خدمات فرهنگی (سرانه زمان فراغت، مسافرت‌های داخلی و خارجی، مطالعه کتب غیردرسی، استفاده از شعر و موسیقی) و نشانگرهای نیروی انسانی، فضا و تجهیزات فرهنگی (نشر و کتاب، کتابخانه، مطبوعات) استفاده کردند. از نظر آن‌ها، فرهنگ باید برای همه و پاسخگوی نیازهای جامعه باشد.

شریفی و فاضلی (۱۳۹۱) آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی را تحلیل کردند. آن‌ها معتقدند که تدوین و پیاده‌سازی سیاست با چالش‌های متعددی روبرو هستند و بخش قابل‌توجهی از آن‌ها ریشه‌ی تاریخی دارند. ناهماهنگی و ناسازگاری میان مراکز متعدد سیاست‌گذاری فرهنگی، عدم تدوین نشانگرهای قابل‌رصد، برخورد شعاری با سیاست‌های فرهنگی، عدم تعیین مسئولیت دستگاه‌های فرهنگی، ضعف روزآمدی سیاست‌های فرهنگی متناسب با تغییرات محیطی و مقتضیات زمان، فقدان تفاهم و دیدگاه مشترک مجریان، عدم اولویت‌بندی سیاست‌ها، ضعف در نظارت مؤثر و کم‌توجهی به نظارت همگانی و خودکنترلی، ابهام در ارتباط میان سیاست‌های فرهنگی با سایر سیاست‌ها از مهم‌ترین آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی هستند.

الوانی و شریف‌زاده (۱۵:۱۳۹۴) با بررسی الگوهای سیاست‌گذاری (نهادی، فرایندی، گروهی، عقلانی، سیستمی، جزئی-تدریجی و تلفیقی) به تعاریف و مفاهیم از دیدگاه‌های مختلف پرداختند و در پایان سیاست‌گذاری را به‌عنوان فرایندی متشکل از مراحل مختلف شناخت و درک مسئله، انعکاس مسائل در سازمان‌های عمومی، تهیه و تنظیم خط‌مشی عمومی، تصویب و قانونی کردن سیاست، اجرا و ارزیابی مطرح کردند. این چارچوب می‌تواند راهنمای خوبی برای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی به‌عنوان یک سیاست‌گذاری عمومی باشد.

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

لطیفی و همکاران (۱۳۹۴) به تدوین الگوی ارزیابی نشانگرهای فرهنگ عمومی مؤسسات آموزش عالی پرداختند. نتایج ارزیابی کمی نشانگرها در دانشگاه‌های دولتی نشان داد که میزان نشانگر فرهنگی کل در طول حضور دانشجو در دانشگاه رو به کاهش است. همچنین، بیشترین میزان همبستگی بین نشانگرهای هویت ملی و انقلابی وجود دارد. همچنین، تنها همبستگی‌های منفی پژوهش بین نشانگر خانواده با نشانگر سرمایه اجتماعی و معرف فرهنگی است.

گرچی پور و همکاران (۱۳۹۸) به طراحی الگوی ارزیابی چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی با رویکرد مطالعه کیفی اسناد بالادستی پرداختند که در آن نیاز به یک الگوی بومی مبتنی بر فرهنگ دینی جامعه ایرانی اشاره شده است. نشانگرهای مطلوب در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در قالب شناخت و درک مسئله، تهیه و تدوین راه‌حل، مشروعیت بخشی، قانونی کردن، اجرا و ارزیابی دسته‌بندی شدند. پیشگیری از بروز آسیب‌های احتمالی در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات فرهنگی و شناسایی موانع و مشکلات در صورت دست نیافتن به اهداف فرهنگی از امکانات این الگو است. جواهری (۱۳۹۸) بر اساس مطالعه اسناد فرهنگی بالادستی، اطلاعات پیمایش ملی، نظرخواهی از مدیران فرهنگی دانشگاه‌های کشور و گفت‌وگو با صاحب‌نظران این حوزه نشان داد که وضعیت موجود نگرش‌ها و رفتار دانشجویان با انتظارات جاری در سیاست‌های فرهنگی همساز نیست. نظرات مشارکت‌کنندگان نشان داد که آن‌ها منکر سیاست‌گذاری فرهنگی و نقش دولت در آن نیستند، اما اکثرشان در مورد یکسان بودن فهم از فرهنگ، کارایی شیوه‌های اجرا و نظارت درباره‌ی ضریب تاثیرگذاری فعالیت‌هایی که تاکنون در دانشگاه‌ها انجام شده تردید دارند. آن‌ها تاکید دارند که دولت باید نقش خود را در حد یک فعالیت ارشادی محدود کند و اهداف فرهنگی را از طریق فعال کردن تشکل‌های مدنی - دانشجویی محقق کند. از نظر آن‌ها نظم اخلاقی که امروز بر فضای دانشگاه حاکم است با اولویت‌ها و ترجیحات مندرج در سیاست‌های فرهنگی هماهنگ نیست.

جهان‌بین (۱۳۹۹) به بررسی نشانگرهای ارزیابی حوزه فرهنگی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. از نظر او نشانگرهای ارزیابی را، درصد جذب اعتبارات، اجرای برنامه‌های فرهنگی ماندگار، تشکل‌ها و کرسی‌های آزاداندیشی، دیدگاه افراد درباره‌ی برابری، احترام به حقوق ذینفعان، توجه به ظرفیت‌های موجود و میزان گسترش فضای مجازی برای فعالیت -

های فرهنگی شکل می‌دهند.

ابهام در اهداف، کلی‌گویی، استفاده از الگوی جزئی-تدریجی در سیاست‌گذاری فرهنگی، ضعف شناخت مسئله و روش‌شناسی علمی، نهادهای متعدد سیاست‌گذاری فرهنگی، شکاف میان سطوح تدوین، اجرا و ارزیابی، شکل‌گیری سیاست‌گذاری از بالا به پایین و بی‌توجهی به مشارکت و نظرخواهی از صاحب‌نظران از موانع سیاست‌گذاری فرهنگی صحیح هستند. در زمینه ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی، الگوی بومی‌سازی شده و مرتبط با رفتار و فرهنگ دانشگاهی وجود ندارد. نگاه‌ها به ارزیابی، بیشتر به صورت کمی و با نگاه به الگوهای ارزیابی آموزشی به صورت دروندادی، فرایندی و بروندادی است. توجهی به سیاست‌های نانوشته و مناطق خاکستری در ارزیابی صورت نگرفته، بیانیه‌ها و نظرات مقامات سیاسی لحاظ نمی‌شوند. ضمن اینکه مخاطبان رسمی و غیررسمی سیاست‌گذاری فرهنگی در تدوین معیارها و نشانگرهای سیاست‌گذاری و ارزیابی نقشی ندارند. این پژوهش علی‌رغم پژوهش‌های گذشته که بیشتر بر محتوای اسناد بالادستی با موضوعات تکراری تمرکز دارند و توجهی به نیازها در دنیای متحول کنونی ندارند، تلاش می‌کند تا علاوه بر توجه به اسناد بالادستی و یافته‌های پژوهش‌ها، دیدگاه صاحب‌نظران به‌عنوان پیشقراولان فرهنگی و کالبدشکافی آن‌ها از سیاست‌های مکتوب، نانوشته و بیانات رهبران سیاسی را در تدوین معیارها، عامل‌ها، ملاک‌ها و نشانگرهای ارزیابی لحاظ کند و یک تصویر جامع‌تر، بزرگ‌تر و واقعی‌تر از موضوع ارائه دهد.

۱.۲. ادبیات نظری

پژوهش حاضر بر آن بود تا با مفهوم‌بندی و شناسایی نشانگرهای دقیق، به ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی پردازد و درنهایت سنخ‌شناسی و چارچوبی برای پژوهش‌های آتی در این زمینه حاصل شود. در این پژوهش، به یک چارچوب نظری پیشینی تکیه نشده است، بلکه بخش نظری پژوهش اکتشافی در ادبیات مربوطه و جمع‌بندی و نقد آن‌ها در راستای رسیدن به نشانگرها و تدوین چارچوبی نظری برای تحلیل و ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی است. درواقع چارچوب نظری شکل گرفته از بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده و جمع‌بندی پژوهشگران این مطالعه برای استخراج نشانگرهای ارزیابی است و بر اساس مبانی نظری و علمی، ملاک‌ها، عامل‌ها و درنهایت

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

معیارهای ارزیابی شکل گرفتند. نکته‌ای که روزنبلوم (به نقل از قلی‌پور، ۱۳۹۶:۲۴۸) بر آن تاکید دارد، پرهیز از توجه صرف به یک رویکرد است. ولی اتخاذ رویکرد ترکیبی و تلفیقی را برای ارزیابی پیشنهاد می‌کند. ارزیابی با روش فوق، قابلیت یادگیری نیز خواهد داشت که یکی از اهداف مهم ارزیابی است. از نظر اسمیت و لایمر (۲۰۰۷:۴۷) در رویکرد مرحله‌ای با مراحل و چرخه سیاست‌گذاری علی‌رغم تعدد، شاکله آن‌ها مشابهت زیادی دارد. این تشابه در تدوین، اجرا و ارزیابی خودش را نشان می‌دهد.

فرهنگ در نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی

فرهنگ روش زندگی افراد، میراث اجتماعی، روش تفکر و ذهنیت افراد، احساس و اعتقاد افراد یک گروه و یک نظریه انسان‌شناسی درباره‌ی چگونگی رفتار گروهی از افراد است (قلی‌پور، ۱۳۹۷:۱۶). به نظر لوی اشتروس از بنیانگذاران معتبر ساخت‌گرایی، فرهنگ ترکیب خاص همبستگی اجزای یک مجموعه با هدف معین است که دارای سه خصلت منظومه‌ای، تکثر و پیش‌بینی است (توسلی، ۱۳۸۰). کارکردگرایان، نظام اجتماعی را دارای تعامل می‌دانند. این امر سبب می‌شود که آن‌ها به وحدت اجزا اهمیت دهند. به این ترتیب، نظام فرهنگی به عنوان یک زیر نظام در کلیت نظام اجتماعی در تعاملی مستمر با بقیه‌ی اجزای جامعه عمل می‌کند و برخلاف نظریه ساخت‌گرایی، در نظریه کارکردگرایی نظام فرهنگی در تعاملی پویا با تمامی عناصر عمل می‌کند، تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرد. نظریه دیگر، نظریه عام کنش است که طبق آن تعهد به ارزش‌ها و هنجارها یکی از ابزارهای چهارگانه حفظ انسجام جامعه تلقی می‌شود. پارسونز، پول، قدرت، نفوذ و تعهد به ارزش‌ها و هنجارها را چهار عامل انسجام اجتماعی می‌شمارد (قلی‌پور، ۱۳۹۷:۱۷)

سیاست‌گذاری فرهنگی و ارزیابی

سیاست‌گذاری، مجموعه‌ای از اقدامات عقلانی است که طی فرایندی به انجام رسیده‌اند. به طور کلی، سیاست‌گذاری در یک فرایند سه مرحله‌ای: شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی تحقق می‌یابد (نیاززاده و همکاران، ۱۴۰۰:۴۷). برخی صاحب‌نظران این فرایند را در شش مرحله شناخت و درک مسئله، ارجاع و طرح آن در سازمان‌های عمومی، تهیه و تدوین خط‌مشی، مشروعیت بخشی، ابلاغ و اجرا، ارزیابی و کسب بازخورد از عملکرد آن تعریف کرده‌اند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴). سیاست‌گذاری فرهنگی، به معنای مدیریت در حوزه فرهنگ است. در واقع پلی حدفاصل جایی که هستیم و جایی که می‌خواهیم برسیم (خاشعی،

وحید، ۱۳۹۷: ۱۱۴) و شامل مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی است (حسنوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰). سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه‌ها برای جبران پاسخگویی به نیازهای مهم جامعه و ارتقای مهارت‌های سطح عالی دانشجویان برای ورود به جهان متغیر کنونی از طریق گسترش فرهنگ جامعه‌پذیری است (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۷۸). ارزیابی، فرایندی است که در آن به صورت نظام‌مند و هدفدار، تناسب، کارایی و اثربخشی یک سیاست، برنامه و یا فعالیت با توجه به اهداف آن (فاهرنکروگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۲) در مراحل طراحی، پیاده‌سازی و نتایج موردسنجش قرار می‌گیرد (بیس^۲، ۲۰۱۰). در واقع ارزیابی طراحی متناظر با تناسب، ارزیابی پیاده‌سازی متناظر با کارایی و ارزیابی نتایج متناظر با اثربخشی است. ارزیابی حلقه سیاست‌گذاری را می‌بندد و مراحل تدوین و اجرا را به هم نزدیک می‌سازد. ارزیابی وقتی مؤثر، حرفه‌ای و منصفانه اجرا شود، هدفی بالاتر از توقف سیاست را به دنبال خواهد داشت (دانش فرد، ۱۳۹۳: ۲۵۳-۲۴۸). تقویت تشخیص، شناسایی هزینه‌ها و منافع، انسجام‌بخشی و یکپارچه نمودن اهداف، افزایش شفافیت و پاسخگویی، بیانگر اهمیت ارزیابی در سیاست‌گذاری هستند (تسلیمی، ۱۳۹۶: ۱۲۳).

فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی تلاش آگاهانه و عامدانه سازمان‌های دانشگاهی و دولت‌ها برای شکل دادن به نوعی نظم نمادین است (فاضلی، ۱۳۹۹). سیاست‌گذاری فرهنگی در نمادی‌ترین تعریف خودش یعنی سیاست آزاد. سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه‌ها برای جبران پاسخگویی به نیازهای مهم جامعه و ارتقای مهارت‌های سطح عالی دانشجویان برای ورود به جهان پر تغییر کنونی از طریق گسترش فرهنگ جامعه‌پذیری است (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۷۸). از نظر اسمیت و لایمر (۲۰۰۷: ۴۷) در تمامی نظریه‌های مدل مرحله‌ای و چرخه سیاست‌گذاری، نخست نوعی مسئله در کانون توجه قرار می‌گیرد، سپس راه‌حل‌ها و مشروعیت بخشی انجام‌شده و به مرحله اجرا درمی‌آید و در نهایت، ارزیابی میزان تحقق اهداف و تصمیمات مقتضی در رابطه با سیاست‌ها اخذ می‌شود. بر این اساس، فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی که نوعی سیاست‌گذاری عمومی است، شامل مراحل (۱) مسئله‌یابی (۲) دستورگذاری (۳) شکل‌گیری یا صورت‌بندی سیاست (۴) مشروعیت‌بخشی (۵) اجرا (۶) ارزیابی (۷) اصلاح یا

^۱ Fahrenkrog

^۲ BIS

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

خاتمه می‌باشد (الوانی، ۱۳۹۱؛ الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴؛ دانش‌فرد، ۱۳۹۴؛ هاوالت و همکاران، ۲۰۰۹). در رابطه با رویکرد مرحله‌ای ارائه‌شده، احتمال تولید یک نظریه واحد و وجود حلقه‌های بازخورد به دلیل پراکنده شدن حوزه مطالعات کاهش می‌یابد، بنابراین، کانون تمرکز این مطالعه فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی اشتریان (۱۳۹۱) می‌باشد. اشتریان، سیاست‌گذاری فرهنگی را در قالب الگوی فرایندی سیاست‌گذاری در پنج مرحله مطرح کرده است:

۱) تشخیص و صورت‌بندی مسئله: گام نخستین آن مشاهده مشکل و گام دوم آن صورت‌بندی دقیق مسئله، تحلیل و نقادی مشکل است (اشتریان، ۱۳۹۵: ۵۲-۳۷). مطالعات، پژوهش‌ها و بررسی‌ها، گزارش‌ها و رخدادها، سخنرانی‌ها و اجتماعات در معرفی و ارائه مشکل نقش دارند (شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱ و ۶۰).

۲) روش‌شناسی: اتخاذ راه‌حل‌ها بدون تدوین اهداف کلان در مسئله یا موضوع موردنظر، امکان‌پذیر نیست. برای انتخاب راه‌حل‌ها و شناسایی تبعات آن‌ها، رهیافت منافع (توجه به نیازها و منافع گروه‌ها)؛ رهیافت عینی (فارغ از منافع یا مضرات برای گروه‌ها)؛ رهیافت ارزشی و هنجاری (الهام از ارزش‌های آرمانی، دینی و ایدئولوژیک)؛ و رهیافت تجربه‌ای (تجربه شخصی سیاستگذار یا سیستم سیاست‌گذاری) موردتوجه قرار می‌گیرند (اشتریان، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۵).

۳) مشروعیت‌بخشی: در سطح کلان معمولاً سیاستگذاران فرهنگی بر اساس ایدئولوژی خود به انتخاب گزینه‌ها دست می‌زنند. در مدل عقلایی (اثربخش‌ترین یا کارآمدترین روش حل آن)، در مدل تدریجی تصمیم‌گیری (ایجاد تغییرات جزئی نسبت به وضع موجود)، در مدل تصمیم‌گیری تصادفی (لحظه‌ای و مقطعی بودن تصمیم‌گیری) مبنای عمل قرار می‌گیرد (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۷۶-۱۵۵). مشروعیت‌بخشی، ایجاد ائتلاف و شروع رسمی اقدام، تصمیم‌گیری، انتخاب از میان گزینه‌های خط‌مشی و آثار اجتماعی آن‌ها بر مشکلات از کارکردهای تصمیم هستند.

۴) اجرای برنامه‌ها: دو دیدگاه «از بالا به پایین» و «از پایین به بالا» مباحث مهم در اجرای برنامه‌های فرهنگی هستند. بغرنج‌ترین مسئله اجرا این است که تصمیمات اتخاذ شود ولی فعالیت‌ها و اجرا به گونه‌ای صورت گیرد که تشابه معقول و منطقی با آن نداشته باشد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۶)

۵) ارزیابی فعالیت‌ها: برای اطمینان از تحقق اهداف و رسالت‌ها، ارزیابی صورت می‌گیرد. بهبود سیاست و اصلاح فرایند سیاست‌گذاری به همراه افزایش مسئولیت پاسخگویی از نتایج ارزیابی صحیح هستند. ارزیابی مقایسه اهداف پیش‌بینی شده و نتایج حاصل از آن است. ارزیابی به دو صورت فعالیت یا وظیفه و یا یک تلاش جدی برای قضاوت در مورد اعتبار، ماهیت برنامه‌ها و سیاست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای ارزیابی معیارها و ضوابط اندازه‌گیری به صورت کمی و کیفی تعیین، تجزیه و تحلیل اطلاعات صورت می‌گیرد. دشوارترین مرحله از فرایند سیاست‌گذاری این است که تعیین کرد سیاست مصوب مشکل را برطرف ساخته است (الوانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۱۰۹)

رویکردهای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش عالی

هاولت و همکاران (۲۰۰۹: ۳۱۸) رویکردهای ارزیابی سیاست را به دودسته اثباتی (علمی، فنی یا سیستماتیک و استفاده از روش‌های علمی) و فرا اثباتی (جنبه تفسیری و ذهنی) تقسیم می‌کنند. در رویکرد نخست، استانداردهای تعیین نشانگرهای ارزیابی نقش مهمی در سنجش سیاست‌ها دارند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۶). در تقسیم‌بندی دیگری انواع رویکردهای ارزیابی سیاست به سه رویکرد ارزیابی مدیریتی^۱، قضایی^۲ و سیاسی^۳ تقسیم می‌شوند. مطالعه حاضر بیشتر نوعی ارزیابی مدیریتی از سیاست‌گذاری فرهنگی است. روش مورد استفاده در ارزیابی مدیریتی محققانه و علمی است. تاکید ویژه‌ای بر تناسب، کارایی و اثربخشی است (قلی پور، ۱۳۹۱: ۲۴۶). ارزیابی فرایندها، تلاش‌ها، کارایی و اثربخشی را می‌توان در زمره ارزیابی مدیریتی دانست (بیکی، ۱۳۹۷: ۲۰۰). ارزیابی قضایی ترکیبی از فرایند کلی و محققانه است و از قوانین و مقررات، دادگاه‌ها و نیروهای قضایی استفاده می‌کند (قلی پور، ۱۳۹۱: ۲۴۷). بر جنبه‌های قانونی که به کمک آن‌ها برنامه‌ها اجرا می‌شوند می‌پردازد و ارزیابی به وسیله‌ی نیروهای قضایی صورت می‌گیرد (هاولت و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۳۵). در ارزیابی سیاسی، قضاوت کلی در مورد سوابق کاری برای تعیین سودمندی سیاست‌ها صورت می‌گیرد (قلی پور، ۱۳۹۶: ۲۴۵). از نظر بازرگان و همکاران (۱۳۹۵: ۴۵) چه در سیاست‌گذاری و چه در مدیریت، ارزیابی یکی از حلقه‌های اصلی به شمار می‌رود. سیاست‌گذاران با توسعه‌ی

¹ managerial appraisal

² legal appraisal

³ political appraisal

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به‌طور پیوسته امکان ارزیابی سیاست‌گذاری را فراهم آورند و خط‌مشی‌های حمایتی و ظرفیت‌سازی را برای پیشرفت دانشگاه‌ها تنظیم کنند. ارزیابی به سیاست‌گذاران در تدوین سیاست‌های فرهنگی با کیفیت کمک می‌کند. مدیران از نتایج ارزیابی در اجرای صحیح و دقیق‌تر برنامه‌های فرهنگی استفاده می‌کنند و درنهایت از طریق ارزیابی اثربخشی نتایج توسط مسئولین رصد می‌شود.

معیارهای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش عالی

معیارها چیزهایی هستند که برای هدایت یک تصمیم‌مورداستفاده قرار می‌گیرند و می‌توانند واحدهای سنجش، معیارها یا استانداردها باشند. ازجمله معیارهای ارزیابی می‌توان به هزینه منفعت، اثربخشی، ریسک، امکان‌پذیری، سهولت اداری، قانونمندی، عدم اطمینان، برابری و نظام‌مندی اشاره کرد (منوریان، ۱۳۹۶: ۱۴۷). از آنجائی که مؤسسات آموزش عالی وظیفه حفظ و صیانت فرهنگی و درنهایت جامعه‌پذیری علمی و فرهنگی را بر عهده‌دارند، بنابراین همسوسازی و متناسب‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش عالی با الگوها و ارزش‌های دانشگاهی جهانی یک ضرورت است. با بررسی الگوهای ارزیابی مختلف چون سینک و تاتل (۱۹۸۵) (اثربخشی، کارایی، کیفیت، بهره‌وری، زندگی کاری، نوآوری، توان سوددهی)؛ الگوی آرنولد (۲۰۰۴) (تناسب، کارایی، اثربخشی و سودمندی)؛ و آجیونس^۱ (۲۰۰۵) (بازدهی، بهره‌وری، کارایی، اثربخشی و سود خالص)، معیارهای ارزیابی شناسایی شدند. در این چارچوب به‌طور خاص از نسخه عناصر سیستمی در سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی و نحوه‌ی صورت‌بندی مفهومی معیارها، عوامل، ملاک‌ها و نشانگرهای آن در مدل ارزیابی توسعه‌بازرگان (۱۳۹۳) استفاده‌شده است. مجموعه‌ای از نشانگرهای کیفی و کمی در کنار هم قرار گرفتند تا ملاک‌ها را شکل دهند. مجموعه ملاک‌ها، عامل‌ها و درنهایت مجموعه عامل‌ها، معیارها را شکل دادند. تمرکز بر معیارهای ارزیابی و در چارچوب الگوی آرنولد (۲۰۰۴) است: ۱) آیا در حال انجام اقدام درست هستیم؟ (تناسب سیاست‌ها) ۲) آیا می‌توان اقدام بهتری انجام داد؟ (کارایی برنامه‌ها) ۳) نتایج اقدام ما چیست؟ (اثربخشی نتایج و فعالیت‌ها).

¹ Aguinis

(۱) تناسب^۱

تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی تابع عوامل متعددی است که می‌توانند مانعی برای پیاده‌سازی سیاست در نظر گرفته شوند. یکی از موانع فرا روی تحقق اهداف، عدم تفاهم بر روی آن‌هاست که در مرحله تدوین سیاست‌های فرهنگی باید به آن توجه کرد (افشاری و همکاران، ۱۱:۱۳۹۷). در واقع اهداف باید با مقتضیات و شرایط مؤسسات آموزش عالی همخوانی و تناسب داشته باشند. منطبق تناسب بیشتر بار اخلاقی و مناسب رفتار کردن دارد (مارچ^۲ و همکاران، ۳:۲۰۱۹). معیار تناسب به صورت توصیفی^۳ یا تجویزی^۴ ناظر به در نظر گرفتن نیازها و شرایط کشور و همچنین متناسب بودن با اهداف کلان و شرایط موجود دانشگاه‌ها در تدوین سیاست‌های فرهنگی است (سلطانی گرد فرامرزی، ۵۶۶:۱۳۹۸). تضمین عقلانیت هدفمند، نتیجه ابزار کلیدی تناسب است (زارعی و همکاران، ۴۹:۱۳۹۳). بر اساس یافته‌های پژوهش، تناسب سیاست‌گذاری فرهنگی در عامل‌های دوگانه تناسب سیاست‌ها، برنامه‌ها و تناسب شکل‌گیری سیاست‌ها (مسئله‌شناسی، راه‌حلیابی و مشروعیت بخشی) مورد توجه قرار می‌گیرد.

(۲) کارایی^۵

بهترین تعریف از کارایی را پیتر دراگر تحت عنوان «انجام درست کارها» ارائه نموده است. این مفهوم ارتباط میان درونداد و برونداد را توضیح می‌دهد که در آن هم کیفیت و هم کمیت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (وزارت امور خارجه^۶، ۳:۲۰۰۹). از مهم‌ترین روش‌های سنجش کارایی، بهبود نشانگرهای ورودی و خروجی است (فرنگ^۷ و همکاران، ۲۰۱۲). روش تحلیل پوششی داده‌ها^۸ و تحلیل شاخص مالم کوئیست^۹ برای سنجش کارایی به کار می‌روند (محمدی و همکاران، ۴۱:۱۳۹۳). معیار کارایی ناظر به فرایند اجرای برنامه‌ها است و مولفه‌هایی چون نحوه‌ی مدیریت برنامه‌ها و ساختار اجرای آن، انعطاف و توانایی تشخیص

¹ appropriateness

² March

³ descriptive

⁴ prescriptive

⁵ efficiency

⁶ ministry of foreign affairs

⁷ Freng

⁸ data envelope analysis

⁹ Malmquist index analysis

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

به‌موقع مسائل و اولویت‌ها، اجتناب از تکراری شدن اقدامات، پروژه‌ها، یادگیری سیاست‌گذاران و مجریان از جمله نمونه‌های این ارزیابی هستند (سلطانی گرد فرامرزی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، عامل‌های سه‌گانه کارایی سیاست و برنامه‌ها، اجرای صحیح و رضایتمندی (رضایت از برنامه‌ها، مشارکت و فعالیت در شکل‌ها) و مدیریت برنامه‌های فرهنگی (قانونمندی و قانونمداری، زیبایی‌شناختی و موفقیت برنامه‌ها) معیار کارایی را شکل می‌دهند. از نظر بیگدلی و رشیدپور (۷۱:۱۴۰۰) در اجرای برنامه‌ها، مدیران در درجه اول باید به منابع و به‌ویژه بر نیروی انسانی خود متکی باشند.

۳) اثربخشی^۱

دستیابی به یک سیاست فرهنگی موفق علاوه بر تدوین سیاست و پیاده‌سازی آن، مستلزم اثربخشی است. در واقع، اینکه تا چه اندازه اهداف سیاست‌های فرهنگی تحقق می‌یابند می‌تواند امکانی برای ارزیابی و اثربخشی سیاست‌های فرهنگی باشد (افشاری و همکاران، ۱۳۹۷:۱۱). اثربخشی را میزان پاسخ به نیازهای مشتری (موسنگ^۲، ۱۹۹۷:۲۴۹)؛ نتایج مرتبط با اهداف (وزارت فرهنگ و آموزش^۳، ۲۰۱۱:۷) و میزان دستیابی به اهداف سازمانی (کلاتاریا^۴ و همکاران، ۲۰۱۲) تعریف کرده‌اند. در تحقق اثربخشی، مدیر تلاش می‌کند تا حرکت سازمان را به سمت تحقق اهداف سازمانی زیر نظر داشته باشد (دنیش^۵ و همکاران، ۲۰۱۲). ارتقای اثربخشی پاسخی است به مسئله کمیابی در فرایند تخصیص منابع (نادری، ۱۳۹۳:۱۱). لازمه‌ی اثربخشی آن است که ساختارها، مناسبات، سازوکارها و روابط به نحو مطلوبی تنظیم و عملیاتی شوند. هدف غایی اثربخشی، جلب رضایت گروه‌های اجتماعی و ارتقای پاسخگویی است. اثربخشی با فرهنگ غالب و مسلط سازمان در ارتباط است. در این پژوهش عامل‌های سه‌گانه اثرات سیاست (دستیابی به اهداف و ارزش‌ها، مفید بودن شکل‌ها)؛ پیامدهای بهبود برنامه‌ها (صلاحیت فرهنگی، فرهنگ نوآوری، دسترسی و عدالت) و توجیه خروجی‌ها و منابع (توسعه زیرساخت‌های فرهنگی، توسعه انسانی و تحقیقات دانشگاهی) معیار اثربخشی را شکل می‌دهند. از نظر بیگدلی و رشیدپور (۷۱:۱۴۰۰) لازمه‌ی اثربخشی،

¹ effectiveness

² Moseng

³ ministry of education and culture

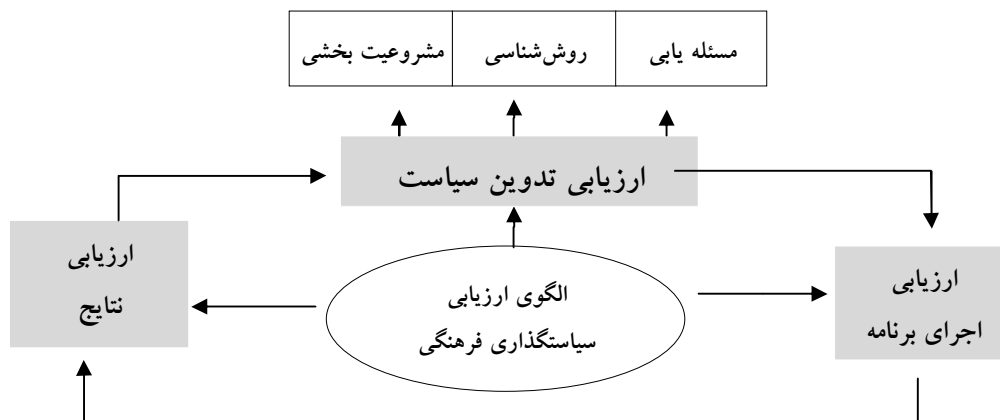
⁴ Klataria

⁵ Danish

پذیرش اهداف سازمان است و تحقق اهداف به استفاده از همه‌ی منابع در دسترس مدیران بستگی دارد. جلوگیری از زوال و مرگ سازمانی از طریق سیستم‌های کنترل و ارزیابی و پرهیز از انحراف و کجروی و اصلاح خطاها مهم‌ترین دلایل طراحی الگوها و مدل‌های ارزیابی و کنترل هستند. الگوهای ارزیابی اثربخشی را می‌توان در چهار دسته: ۱) الگوهای باز سیستمی (رایینز، ۱۳۹۳: ۷۱) ۲) مدل اهداف عقلانی (دفت، ۱۳۸۷: ۱۱۹) ۳) الگوهای مبتنی بر فرایند درونی (رایینز، ۱۳۹۳: ۷۰) ۴) الگوهای مبتنی بر روابط انسانی (رایینز، ۱۳۹۳: ۷) قرار داد.

مدل نظری پژوهش

در نظریه و مدل فرایندی سیاست‌گذاری فرهنگی فرض بر این است که سیاست‌های فرهنگی در مرحله تدوین به اجرای صحیح برنامه‌های فرهنگی و ارزیابی از نتایج مرتبط با اهداف کمک می‌کنند. این فرایند در قالب شناسایی مشکل، تدوین راه‌حل‌ها، قانونی کردن، اجرا و ارزیابی دنبال می‌شود. در واقع نظر بر این است که مطالعات به این فرایندها محدود می‌شود. این مدل می‌تواند در درک فعالیت‌های مختلف در سیاست‌گذاری مفید باشد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۹؛ اشتریان، ۱۳۹۱). چارچوب نظری این پژوهش بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده و جمع‌بندی پژوهشگران این مطالعه به‌صورت زیر صورت‌بندی شده است (شکل ۱):

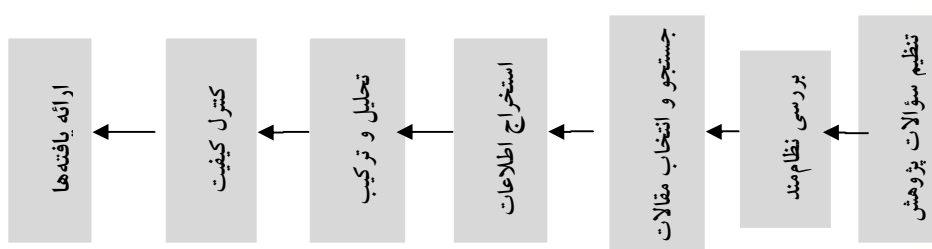


شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش (نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۱)

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته در دو بخش کیفی و کمی انجام شد:

بخش کیفی: در این مرحله با توجه به وجود اسناد زیاد و جدید در زمینه ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی و همچنین امکان مصاحبه با صاحب‌نظران در جهت متناسب‌سازی و بومی‌سازی الگو و نشانگرها و درنهایت تحلیل ترکیبی آنها، از روش فراترکیب استفاده شد. استخراج یافته‌های ۷۵ مقاله و ۱۹ مصاحبه، منابع خوبی برای دستیابی به اهداف پژوهش بودند. فراترکیب، تفسیر داده‌های اصلی مطالعات منتخب و مصاحبه‌ها است. این روش بر اساس نظرات سندلوسکی و بارسو^۱ (۲۰۰۷) در هفت مرحله (شکل ۲) بوده و این پژوهش در بخش کیفی بر اساس نظریات آنها تدوین شده است:

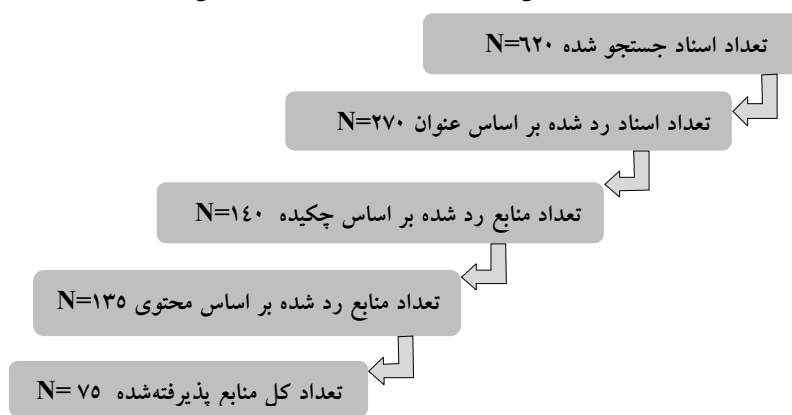


شکل ۲. گام‌های روش فراترکیب (سندلوسکی و بارسو، ۲۰۰۷)

(۱) تنظیم سؤالات پژوهش: در پایان مقدمه و بیان مسئله، سؤالات پژوهش تدوین شد. درواقع، اولین گام از انجام فراترکیب، تدوین سؤالات با هدف پاسخگویی به آنها بود. از این رو، سؤالات پژوهش حاضر شامل شناسایی نشانگر، الگوی ارزیابی و متناسب‌سازی الگوی مفهومی در بخش کیفی و درنهایت اعتبارسنجی الگوی به‌دست آمده در بخش کمی بود. (۲) مرور نظام‌مند و سیستماتیک: جامعه پژوهش حاضر در بخش کیفی شامل کلیه اسناد و مدارک علمی منتشر شده در زمینه ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۹ بودند که با کلیدواژه‌های (cultural policy evaluation, policy making, policy analysis, designing policy model, CPM evaluation, CPM (appraisal models) منابع انگلیسی و کلیدواژه‌های (سیاست‌گذاری فرهنگی، ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی،

¹ Sandelowskin & Barroso

تحلیل سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی) در پایگاه‌های اطلاعاتی EBSCOhost, Sciencedirect, SID, ERIC Emerald, Springer, Proquest, Scopus,) Google, Google scholar و موتورهای جستجوگر (Noormags, Irandoc, Magiran مورد جست‌وجو قرار گرفتند. همچنین اطلاعات به‌دست‌آمده از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران آموزش عالی در جهت متناسب و بومی‌سازی الگو و نشانگرها به این گروه از داده‌ها اضافه گردید. (۳) جست‌وجو و انتخاب مقالات و مصاحبه‌ها: اسناد و شرکت‌کنندگان شامل ۶۲۰ سند علمی (مقاله، کتاب و پایان‌نامه) و یک لیست ۴۰ نفره از صاحب‌نظران سیاست‌گذاری و ارزیابی آموزش عالی و کنشگران فرهنگی بودند. از میان اسناد جست‌وجو شده، ۲۷۰ سند بر اساس عنوان، ۱۴۰ سند بر اساس چکیده، ۱۳۵ سند بر اساس محتوی رد شدند و در نهایت ۷۵ سند مانند شکل (۳) انتخاب و وارد تجزیه و تحلیل شدند.



شکل ۳. جست‌وجو و انتخاب مقالات مناسب (نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۲)

مصاحبه‌شوندگان نیز با هدف دستیابی به حداکثر اطلاعات و نشانگرها از میان افراد دارای مدرک دکتری و دارای تجربه، تخصص و اثر مکتوب از میان سیاست‌گذاران، معریان و ارزیابان انتخاب شدند. از یک لیست ۴۰ نفره شناسایی‌شده، ده نفر هیچ فعالیت و اثری در این زمینه نداشتند و کنار گذاشته شدند، یازده نفر نیز علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته و تماس‌های متعدد در شرایط سخت کرونایی حاضر به مصاحبه نشدند. در نهایت، بر اساس معیارهای فوق، با ۱۹ نفر از صاحب‌نظران آموزش عالی مصاحبه صورت گرفت. اطلاعات مربوطه به شرکت‌کنندگان در دو بخش اسناد و مصاحبه‌شوندگان در جدول (۱) و (۲) آمده است که شماره‌های مربوط برای مراحل کدگذاری و مقوله‌بندی یا تحلیل و تفسیر نتایج مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

جدول (۱). کدها، صاحب‌نظران (پژوهشگران) و سال برای منابع بررسی‌شده (نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۷-۱۲۱)

(۱) هاوکز (۱۳۸۱)؛ (۲) آلایر و همکاران (۱۳۸۳)؛ (۳) صالح و اولیا و همکاران (۱۳۸۴)؛ (۴) خان محمدی (۱۳۸۵)؛ (۵) طلوعی فرد و همکاران (۱۳۸۷)؛ (۶) کلدی و همکاران (۱۳۸۸)؛ (۷) لبادی (۱۳۸۸)؛ (۸) دهقانی و همکاران (۱۳۸۸)؛ (۹) دابنی (۱۳۸۸)؛ (۱۰) بادهام (۱۳۸۹)؛ (۱۱) بوتچوا و همکاران (۱۳۸۹)؛ (۱۲) فضل‌اللهی و همکاران (۱۳۹۰)؛ (۱۳) رضوانی و همکاران (۱۳۹۰)؛ (۱۴) سلطان‌گرد فرامرزی (۱۳۹۰)؛ (۱۵) آزادی ارمکی و همکاران (۱۳۹۰)؛ (۱۶) اشتریان (۱۳۹۱)؛ (۱۷) دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱)؛ (۱۸) حاجی‌پور و همکاران (۱۳۹۱)؛ (۱۹) نوروززاده (۱۳۹۱)؛ (۲۰) مصطفوی فرد (۱۳۹۱)؛ (۲۱) خواجه‌سروی و همکاران (۱۳۹۱)؛ (۲۲) اشتریان و همکاران (۱۳۹۲)؛ (۲۳) تیاوا (۱۳۹۲)؛ (۲۴) متوسلی و همکاران (۱۳۹۲)؛ (۲۵) مقتدایی و همکاران (۱۳۹۲)؛ (۲۶) دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲)؛ (۲۷) حقیقی کفاش و همکاران (۱۳۹۲)؛ (۲۸) موسوی بزاز و همکاران (۱۳۹۲)؛ (۲۹) مرشدی و همکاران (۱۳۹۲)؛ (۳۰) اردکانی و همکاران (۱۳۹۲)؛ (۳۱) لوسیانی (۱۳۹۲)؛ (۳۲) میرزا محمدی و همکاران (۱۳۹۳)؛ (۳۳) ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۳)؛ (۳۴) انتظاری (۱۳۹۳)؛ (۳۵) قمیشیان (۱۳۹۳)؛ (۳۶) عبدی و همکاران (۱۳۹۳)؛ (۳۷) منبجی (۱۳۹۳)؛ (۳۸) سلیمی و همکاران (۱۳۹۳)؛ (۳۹) نادری (۱۳۹۳)؛ (۴۰) خضری و همکاران (۱۳۹۴)؛ (۴۱) اصلان‌زاده (۱۳۹۴)؛ (۴۲) ایزدی و همکاران (۱۳۹۴)؛ (۴۳) علیزاده مقدم (۱۳۹۴)؛ (۴۴) عباسی و همکاران (۱۳۹۵)؛ (۴۵) افتخاری و همکاران (۱۳۹۵)؛ (۴۶) جاودانی (۱۳۹۵)؛ (۴۷) یونسکو (۱۳۹۵)؛ (۴۸) فراستخواه (۱۳۹۵)؛ (۴۹) کشتکار و همکاران (۱۳۹۵)؛ (۵۰) امین‌بیدختی و همکاران (۱۳۹۵)؛ (۵۱) فرزانه و همکاران (۱۳۹۵)؛ (۵۲) دانش فرد (۱۳۹۵)؛ (۵۳) اندرواژ (۱۳۹۵)؛ (۵۴) صالحی امیری و همکاران (۱۳۹۶)؛ (۵۵) زاهدی و همکاران (۱۳۹۶)؛ (۵۶) کارسی‌مارتین و همکاران (۱۳۹۶)؛ (۵۷) مرجایی (۱۳۹۶)؛ (۵۸) ذاکر صالحی و همکاران (۱۳۹۶)؛ (۵۹) دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۶)؛ (۶۰) دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۷)؛ (۶۱) فرامرزی و همکاران (۱۳۹۷)؛ (۶۲) صاعد‌موجشی و همکاران (۱۳۹۸)؛ (۶۳) گرجی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)؛ (۶۴) دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۸)؛ (۶۵) فاتح کوزه و همکاران (۱۳۹۸)؛ (۶۶) غفاری (۱۳۹۹)؛ (۶۷) فراولی و همکاران (۱۳۹۹)؛ (۶۸) ماسیاگ (۱۳۹۹)؛ (۶۹) علیزاده و همکاران (۱۳۹۹)؛ (۷۰) پاپازوگلو (۱۳۹۹)؛ (۷۱) طهرانچی (۱۳۹۹)؛ (۷۲) جهان‌بین (۱۳۹۹)؛ (۷۳) کاووسی (۱۳۹۹)؛ (۷۴) شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها (۱۳۹۹)؛ (۷۵) جاودانی (۱۳۹۹)
--

جدول (۲). اطلاعات مصاحبه‌شوندگان (نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۹-۹۸)

مصاحبه‌شونده (کد)	سمت اجرایی	جنسیت	مدرک و رتبه	رشته
۱	مدیرکل	مرد	دکتری - دانشیار	جامعه‌شناسی
۲	مدیرکل اداره کل	مرد	دکتری	فلسفه تعلیم و تربیت
۳	مشاور معاون فرهنگی	مرد	دکتری - دانشیار	انسان‌شناسی اجتماعی
۴	مشاور معاون فرهنگی	مرد	دکتری - دانشیار	جامعه‌شناسی
۵	رئیس پژوهشکده	مرد	دکتری - استاد	انسان‌شناسی اجتماعی
۶	رئیس دانشگاه	مرد	دکتری - استاد	برنامه‌ریزی آموزشی
۷	عضو هیات علمی	مرد	دکتری - استاد	برنامه‌ریزی آموزشی
۸	عضو هیات علمی	مرد	دکتری - دانشیار	سیاست‌گذاری عمومی
۹	کارشناس در معاونت فرهنگی	مرد	دکتری	اندیشه سیاسی
۱۰	سرپرست سابق وزارت عتف	مرد	دکتری - دانشیار	جامعه‌شناسی
۱۱	عضو هیات علمی	مرد	دکتری - دانشیار	مدیریت آموزش عالی
۱۲	عضو هیات علمی	زن	دکتری - دانشیار	جامعه‌شناسی
۱۳	عضو هیات علمی	مرد	دکتری - دانشیار	علوم تربیتی
۱۴	معاون فرهنگی	مرد	دکتری - دانشیار	برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی
۱۵	معاون پژوهشی و آموزشی	مرد	دکتری - دانشیار	فلسفه
۱۶	دانش‌آموخته دکتری	مرد	دکتری	دانش‌آموخته سیاست‌گذاری فرهنگی
۱۷	عضو هیات علمی	زن	دکتری	جامعه‌شناسی
۱۸	عضو هیات علمی	مرد	دکتری	سیاست‌گذاری عمومی
۱۹	دانش‌آموخته دکتری	مرد	دکتری	برنامه‌ریزی توسعه

۴) استخراج اطلاعات اسناد و مصاحبه‌ها: با استفاده از چک لیست جوانک و همکاران (۱۳۹۶) به نقل از ایلی و همکاران (۶:۱۳۹۹) اطلاعات اسناد و مصاحبه‌ها بر اساس صاحب‌نظران (پژوهشگران)، سال انتشار، نوع سند و نشانگرها استخراج شدند.

۵) تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی: به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی، از تحلیل تم^۱ استفاده شد. به این صورت که پس از مطالعه دقیق منابع و یا متن مصاحبه‌ها و مشخص شدن

^۱ theme analysis

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

نشانگرهای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی، دسته‌بندی‌ها صورت گرفته و مقوله‌ها شناسایی شدند.

۶) کنترل کیفیت: به منظور اعتمادپذیری یافته‌ها، از سازماندهی ساخت یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیرهای فراترکیب استفاده شد. برای تأمین اعتبار و باورپذیری پژوهش از مثلث-بندی داده‌ای (استفاده از داده‌های اسناد و مصاحبه‌ها)، مثلث‌بندی روش‌شناسی (روش فراترکیب به همراه مصاحبه) و مثلث‌بندی محیطی (اسناد و نظرات متنوع و فراگیر) استفاده گردید. همچنین از روش‌های بازبینی توسط همکاران پژوهش، واریسی مداوم محقق، رفت‌وبرگشت‌های اطلاعاتی با کنشگران فرهنگی جهت بررسی کامل و یافتن نقاط ضعف و قوت استفاده شد که به متناسب و بومی‌سازی نشانگرهای ارزیابی کمک کرد.

۷) ارائه یافته‌ها: یافته‌های حاصل از فراترکیب، علاوه بر گزارش در قسمت مربوطه، برای طراحی پرسشنامه، تحلیل و تفسیر نتایج نهایی مورد استفاده قرار گرفتند.

۲) **بخش کمی:** در این بخش، روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از تفکر قیاسی (کل به جزء) به کار رفت. با استفاده از نتایج بخش کیفی و نشانگرهای حاصل از فراترکیب یافته‌های پژوهش‌ها، پرسشنامه محقق ساخته تدوین شد. علاوه بر بررسی روایی صوری و محتوایی پرسشنامه از طریق تحلیل منطقی، با اجرای اولیه (پایلوت) پرسشنامه، گویه‌های نامعتبر حذف شدند. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ (۰/۹۴) مورد تایید قرار گرفت. برای اعتبارسنجی الگوی طراحی شده که نیاز به آزمودن رابطه بین متغیرها بود، از تحلیل عاملی مرتبه دوم و الگوی معادلات ساختاری استفاده شد. جامعه آماری بخش کمی شامل کلیه اعضای هیات علمی سه دانشگاه به تعداد ۳۱۶۳ نفر بود که به روش نمونه‌گیری طبقه-ای نسبتی برای هر یک از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی و الزهرا به ترتیب ۲۴۱، ۵۹ و ۴۱ نفر و در مجموع ۳۴۱ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند که پس از دریافت پرسشنامه-ها، ۳۱۳ مورد وارد تحلیل شدند. علاوه بر تحلیل از طریق آمار توصیفی، برازش الگو با استفاده از تحلیل عاملی مرتبه دوم در حالت استاندارد، معنی‌داری و ساختاری دنبال شد. مشخص کردن، شناسایی، برآورد، ارزیابی و اصلاح، گام‌های پنجگانه‌ای بودند که در برازش الگو دنبال شدند. برای تحقق طرح آمیخته و تلفیق داده‌های کیفی و کمی، ادغام داده‌های حاصل از بخش کیفی با تدوین پرسشنامه و از طریق تفسیر، تحلیل و گزارش نهایی نتایج بخش کمی صورت پذیرفت. از نظر کارشکی (۹۳:۱۳۹۵) شاخص‌های برازش در الگوی معادلات ساختاری به صورت زیر قابل قبول هستند.

جدول (۳). شاخص‌های برازش در الگوی معادلات ساختاری (کارشکی، ۱۳۹۵: ۹۳)

NFI, CFI, IFI, RFI, GFI, AGFI	SRMR	RMSEA ^۱	نسبت X ^۲ /df	شاخص‌ها
	کمتر از	کمتر از ۰/۰۸	کمتر از ۲	دامنه
	۰/۰۸		۳ یا	قابل قبول

در این پژوهش تلاش شد تا از بررسی صرف داده‌های کیفی یا کمی به صورت مجزا خودداری شود و گرایش به انجام یک پژوهش آمیخته بود. ادغام اطلاعات و داده‌ها از طریق طراحی ابزار پرسشنامه با استفاده از نتایج بخش کیفی صورت پذیرفت. برای گزارش یافته‌های پژوهش نیز نتایج بخش کمی با استفاده از پیشینه پژوهش و اطلاعات بخش کیفی مورد تفسیر قرار گرفتند. بنابراین تلفیق دو بخش کیفی و کمی در مرحله تدوین ابزار پرسشنامه، تحلیل و تفسیر نتایج صورت گرفت که این درهم تنیدگی و ادغام در قالب مثلث‌بندی^۲ (داده-مثلث‌بندی^۱ (داده‌ای، روش‌شناسی و محیطی) صورت پذیرفت.

۴- تحلیل تجربی

سؤال اول (۱): نشانگرهای الگوی مطلوب ارزیابی سیاست‌گذاری مؤسسات آموزش عالی کدامند؟ لنگراند (۲۰۰۶) نشانگر را خروجی قابل اندازه‌گیری به صورت کیفی و کمی می‌داند که تناسب، صحت و دستیابی به اهداف را تعیین می‌کند. در این مطالعه از ۷۵ سند (مقاله، کتاب، پایان‌نامه) در بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۹ و ۱۹ مصاحبه استفاده شد.

جدول (۴). بازه زمانی آثار (نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۷-۱۲۱)

ردیف	سال انتشار	تعداد	درصد
۱	۱۳۸۵ - ۱۳۸۱	۴	۵/۳۳٪
۲	۱۳۹۰ - ۱۳۸۶	۱۱	۱۴/۶۶٪
۳	۱۳۹۵ - ۱۳۹۱	۳۸	۵۰/۶۶٪
۴	۱۳۹۹ - ۱۳۹۶	۲۲	۲۹/۳٪

^۱Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA) (ریشه مجذورات خطای تقریب)
^۲ triangulation

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

جدول (۵). فراترکیب نشانگرهای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی
(نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۶-۱۳۴)

ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی	کد نشانگر در سند (مقاله، کتاب، پایان‌نامه)	کد نشانگر در مصاحبه
تدوین سیاست‌های فرهنگی	(۱)(۴)(۵)(۱۴)(۱۵)(۲۲)(۲۷)(۳۰)(۳۵)(۴۷) (۴۹)(۵۲)(۵۴)(۶۲)(۷۰)(۷۳)(۷۵)	(۱)(۴)(۷)(۸)(۹)(۱۰)(۱۱)(۱۴)(۱۵) (۱۷)(۱۸)(۱۹)
اجرای برنامه‌های فرهنگی	(۳)(۴)(۵)(۸)(۹)(۱۱)(۱۳)(۱۴)(۱۷)(۲۱) (۲۵)(۲۶)(۲۷)(۲۸)(۳۰)(۳۱)(۳۲)(۳۵) (۴۰)(۴۲)(۴۴)(۴۶)(۵۰)(۵۵)(۵۹)(۶۰) (۶۷)(۷۰)(۷۲)(۷۵)	(۱)(۲)(۳)(۴)(۵)(۶)(۷)(۹)(۱۰) (۱۱)(۱۲)(۱۳)(۱۵)(۱۷)(۱۸)(۱۹)
ارزیابی نتایج فعالیت‌های فرهنگی	(۱)(۲)(۳)(۷)(۸)(۹)(۱۰)(۱۱) (۱۳)(۱۴)(۱۵)(۱۶)(۱۷)(۱۹) (۲۵)(۲۶)(۲۸)(۳۲)(۳۳)(۳۵) (۳۶)(۴۰)(۴۳)(۴۷)(۴۹)(۵۰) (۵۸)(۶۰)(۶۴)(۶۶)(۷۰)(۷۲) (۷۵)	(۱)(۲)(۳)(۴)(۵)(۷)(۸)(۹)(۱۰) (۱۲)(۱۳)(۱۶)(۱۷)(۱۸)(۱۹)

از ۱۲۵ نشانگر استخراج شده ۸۲ مورد در اسناد (مقاله، کتاب، پایان‌نامه) و ۴۳ مورد در مصاحبه‌ها) پس از بازبینی و واری‌های مداوم و بررسی با اساتید راهنما و مشاور و کشگران فرهنگی، ۶۶ مورد انتخاب و برای اعتبارسنجی در قالب یک لینک پرسشنامه متشکل از آیتم-هایی با سه گزینه مرتبط، نامرتب و نیاز به بازبینی به مصاحبه‌شوندگان ارسال شد. در نهایت ۱۸ نشانگر نامعتبر، ۶ نشانگر نیاز به بازبینی و ۴۲ نشانگر معتبر تشخیص داده شدند که در جدول (۵) قرار گرفتند. همچنین فراترکیب معیارها، عامل‌ها، ملاک‌های ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی در جدول (۶) آمده است:

جدول (۶). فراترکیب معیارها، عامل‌ها، ملاک‌های ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی

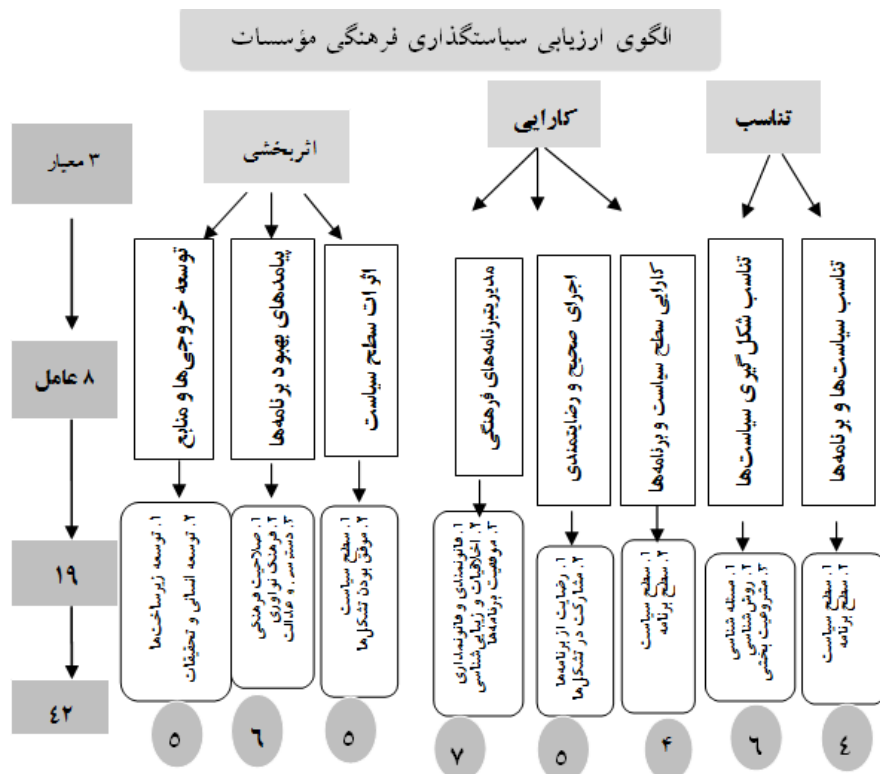
(نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۱-۱۴۰)

معیار	عامل	ملاک	کد نشانه‌گر در سند	کد نشانه‌گر در مصاحبه	
تناسب تدوین سیاست‌های فرهنگی	تناسب سیاست و برنامه‌ها	سطح سیاست	(۳۵)	(۱۹)	
		سطح برنامه‌ها	(۶۲)	(۱۷)	
	شکل‌گیری (تدوین) سیاست	مسئله‌شناسی	-	(۱۱) (۹)	
		روش‌شناسی	(۵۲)	(۱)	
		مشروعیت‌بخشی	-	(۱۹) (۱۸)	
کارایی اجرای برنامه‌های فرهنگی	کارایی سیاست و برنامه‌ها	سطح سیاست	-	(۱۷) (۷)	
		سطح برنامه‌ها	(۵۵) (۲۶)	-	
	اجرای صحیح و رضایتمندی	رضایت از برنامه‌ها	-	(۷) (۱۱)	
		مشارکت در تشکله‌ها	-	(۵) (۷) (۵)	
		مدیریت برنامه‌های فرهنگی	قانونمندی و قانونمداری	(۴۴)	(۱)
	اثرات سطح سیاست‌ها	پیامدهای بهبود برنامه‌ها	اخلاقیات و زیبایی‌شناختی	(۴۰)	(۹) (۶)
			موفقیت برنامه‌ها	(۷)	(۱۳)
		فرهنگ نوآوری	سطح سیاست	(۵۱)	(۱۳)
			مفید بودن تشکله‌ها	(۲)	(۷)
			صلاحیت فرهنگی	(۲۶) (۱۳)	(۶)
فعالیت‌های فرهنگی	اثرات سطح سیاست‌ها	فرهنگ نوآوری	-	(۱۳) (۱۳)	
		دسترسی و	(۷۲) (۶۶)	-	

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

	عدالت	
	توسعه زیرساخت	توسعه خروجی‌ها و منابع
(۳) (۱۹)	توسعه انسانی و تحقیقات	(۲) (۱۸) (۱۲)

سؤال دوم (۲): مؤلفه‌های (معیارها، عامل‌ها، ملاک‌ها و نشانگرها) الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی کدامند؟ با توجه به اینکه در زمینه‌ی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی، مطالعات گوناگونی در داخل و خارج کشور صورت گرفته و هرکدام نیز دربرگیرنده بخشی از معیارها، عامل‌ها، ملاک‌ها و نشانگرهای ارزیابی هستند و پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه نیز دیدگاه‌های خاص خود و شرایط زمینه‌ای متفاوت به موضوع نگریسته، بنابراین، مؤلفه‌های مختلفی را پیشنهاد داده‌اند. با بهره‌گیری از تثلیث داده‌ای، تثلیث روش‌شناسی و تثلیث محیطی درنهایت با دیدگاه کل‌نگر و استفاده از نتایج پژوهش‌ها و مصاحبه‌ها، ابتدا به روش تحلیل تم، نشانگر-های ارزیابی شناسایی، سپس با توجه به مطالعات نظری و پیشینه‌ی پژوهش و قضاوت پژوهشگران این مطالعه و اجتهاد همکاران پژوهش، ابتدا نشانگرها در قالب ملاک‌ها و سپس در قالب عامل‌ها و درنهایت در سه معیار و مقوله تناسب تدوین سیاست‌های فرهنگی، کارایی اجرای برنامه‌های فرهنگی و اثربخشی نتایج فعالیت‌های فرهنگی قرار گرفتند. در کنار استخراج و اعتبار سنجی نشانگرها توسط صاحب‌نظران و مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، از دیدگاه‌ها و نظرات آن‌ها در جهت متناسب و بومی‌سازی الگو از طریق تفکیک یا تلفیق و یا جابه‌جایی‌های مورد نیاز در هر کدام از چهار لایه الگو مبادرت ورزیدیم. بر اساس یافته‌های پژوهش، در مجموع ۳ معیار، ۸ عامل، ۱۹ ملاک و ۴۲ نشانگر (جدول ۶ و شکل ۴) الگوی بومی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی را شکل داده‌اند:



شکل ۴. الگوی مفهومی و بومی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی (یافته‌های پژوهش نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۸)

سؤال سوم (۳): از نظر صاحب‌نظران، الگوی طراحی شده تا چه اندازه از تناسب لازم برخوردار می‌باشد؟ پس از طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی، چون امکان تشکیل گروه کانونی و یا پنل برای گرفتن دیدگاه‌های صاحب‌نظران به خاطر شرایط کرونایی میسر نبود، الگوی طراحی شده به همراه لینک پرسشنامه در طیف لیکرت از طریق ایمیل و شبکه‌های اجتماعی به صاحب‌نظران و مطلعین کلیدی ارسال گردید و از میزان موافقت آن‌ها درباره‌ی معیارها، عامل‌ها و ملاک‌ها نظرسنجی شد. پس از کامل شدن پرسشنامه و نظرات درباره‌ی الگوی مفهومی، از آزمون تک نمونه‌ای استفاده شد و نتایج به صورت جدول (۷) نهایی شد.

ردیف	معیارها	عامل	ملاک	صاحب نظران	میانگین	استاندارد اجزای	خطای استاندارد	t	درجه آزادی	سطح مطلوب
۱	تناسب	۲	۵	۱۹	۳/۸۹	.۵۶	.۱۳	۶/۸۷	۱۸	۰/۰۰۰
۲	کارایی	۳	۷	۱۹	۳/۹۴	.۵۲	.۱۲	۷/۸۷	۱۸	۰/۰۰۰
۳	اثربخشی	۳	۷	۱۹	۳/۶۸	.۶۷	.۱۵	۴/۴۴	۱۸	۰/۰۰۰

جدول ۷. اعتبار یابی (متناسب و بومی سازی) الگوی مفهومی منتج از مثلث بندی (یافته‌های پژوهش نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۲)

با توجه به میانگین‌های به دست آمده، ۳/۸۹، ۳/۹۴ و ۳/۶۸ که بزرگ‌تر از میانگین فرضی ۳ می‌باشند و با توجه به t مشاهده شده، صاحب نظران شرکت کننده در مجموع موافقت خود را با هر یک از معیارها، عامل‌ها و ملاک‌ها اعلام کردند.

سؤال چهارم (۴): الگوی طراحی شده برای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی تا چه اندازه از اعتبار لازم برخوردار می‌باشد؟ نخستین قدم در اعتبارسنجی و اجرای تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم، تهیه یک ساختار عاملی مبتنی بر مبانی نظری بوده و در ادامه، ساخت الگو که از فراترکیب یافته‌های پژوهش‌ها و مصاحبه‌ها به دست آمده بود و تکمیل چارچوب نظری پژوهش که نیاز به ساخت ابزار پرسشنامه، گردآوری داده‌ها، آزمودن الگو و تفسیر نتایج بود، دنبال شدند. برای آزمودن الگو نیاز به پرسشنامه و نمونه‌ای بود که با جامعه آماری مدنظر شباهت و همخوانی داشته باشد. بعد از تهیه پرسشنامه، بر اساس نتایج بخش کیفی، برای سنجش روایی و پایایی آن، اجرا در سه دانشگاه (تهران، علامه طباطبائی و الزهرا) صورت گرفت. ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پیمایش در جدول (۸) آمده است:

گروه تحصیلی	ویژگی		تعداد	درصد	ویژگی	
	تعداد	درصد			تعداد/سال	درصد
گروه تحصیلی	علوم انسانی	۱۶۱	۵۱/۶	استادیار	۱۳۰	۴۱/۵
	علوم پایه	۴۷	۱۵	دانشیار	۹۶	۳۰/۷
	فنی و مهندسی	۷۳	۲۳/۴	استاد	۸۷	۲۷/۸

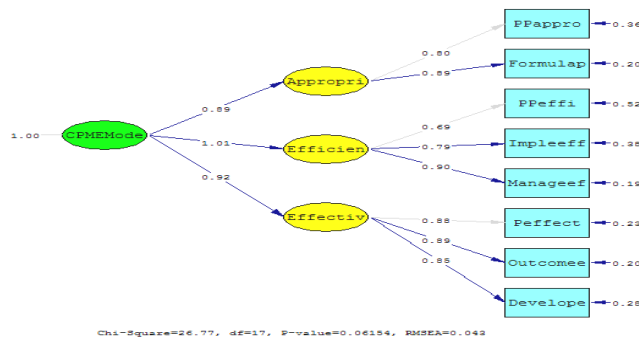
۱۷/۳	۵۴	۱-۵	جنسیت	۱۰/۲	۳۲	هنر
۲۱/۴	۶۷	۶-۱۰		۲۹/۱	۹۱	زن
۲۶/۲	۸۲	۱۱-۲۰		۷۰/۹	۲۲۲	مرد
۲۶/۲	۸۲	۲۱-۳۰		۸۴	۲۶۳	متاهل
۸/۲	۲۸	۳۰ به بالا		۱۶	۵۰	مجرد
تعداد شرکت کنندگان = ۳۱۳ نفر						

جدول (۸). ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پیمایش (نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۸)

الگوی ارزیابی سیاست گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی از (۳ معیار، ۸ عامل، ۱۹ ملاک، ۴۲ نشانگر) تشکیل شده است که سه معیار به عنوان متغیرهای پنهان و ۸ عامل به عنوان متغیرهای مشاهده شده در این تحلیل شرکت داده شدند که برآوردهای مدل حاصل از نرم افزار لیزرل در جدول (۹) آمده است. بعد از تدوین الگوی نظری بر اساس مبانی، یافته‌های پژوهش و منطق قابل دفاع، بر اساس شواهد و داده‌ها، الگوی مدنظر آزمون شد و نتایج زیر به دست آمد. در این پژوهش، نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم در قالب (۱) الگو با ضرایب استاندارد (۲) الگو با آزمون‌های t و (۳) الگوی ساختاری، گزارش شده است.

الف) تحلیل عاملی الگوی ارزیابی سیاست گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی با ضرایب استاندارد:

Chi-Square = 26.77, df = 17, P-Value = 0.06154, RMSEA = 0.043



شکل ۵. تحلیل عاملی الگوی ارزیابی سیاست گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی با ضرایب استاندارد

نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم نشان داد که عامل‌های هشتگانه دارای بار عاملی کافی

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

جهت پیش‌بینی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی هستند. بنابراین، در مجموع می‌توان گفت الگوی ارائه‌شده از برازش خوبی برخوردار است و الگوی تدوین‌شده به‌وسیله‌ی داده‌های نمونه حمایت می‌شود یا به عبارتی داده‌های تجربی اصطلاحاً به‌خوبی با آن منطبق هستند.

ب) تحلیل عاملی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی با آزمون‌های t:

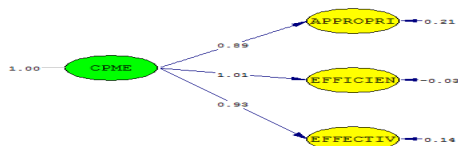
Chi-Square = 26.77, df = 17, P-Value = 0.06154, RMSEA = 0.043



شکل ۶. تحلیل عاملی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی با آزمون‌های t

شاخص t در همه موارد بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است و از طرفی چون برازش الگو خوب است، بنابراین بر اساس مدل خروجی، تحلیل عاملی در حالت معنی‌داری، معنی‌دار خواهد بود و در این صورت نشانگرها از دقت لازم برای اندازه‌گیری سازه‌های پنهان پژوهش برخوردارند.

ج) ضرایب استاندارد الگوی ساختاری ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی



Chi-Square = 30.26, df = 17, P-Value = 0.02453, RMSEA = 0.050

شکل ۷. ضرایب استاندارد الگوی ساختاری ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی

شاخص	برآزش خوب	برآزش قابل قبول	برآوردهای مدل	نتیجه
X^2/df	$2 < X^2/df \leq 0$	کمتر از ۳	۲۶/۷۷ تقسیم بر ۱۷ =	برآزش خوب
			۱/۵۷	
RMSEA	$RMSEA \leq 0.05$	۰/۰۸	۰/۰۴۲	برآزش خوب
	$0 \leq RMSEA < 0.05$			
SRMR	$0 \leq SRMR \leq 0.05$	$0.05 \leq SRMR < 0.1$	۰/۰۷۹	برآزش قابل قبول
GFI	$0.95 < GFI \leq 1$	$0.9 \leq GFI < 0.95$	۰/۹۸	برآزش خوب
AGFI	$0.9 \leq AGFI < 1$	$0.85 \leq AGFI < 0.9$	۰/۹۶	برآزش خوب
CFI	$0.97 \leq CFI \leq 1$	$0.95 < CFI < 0.97$	۱/۰۰	برآزش خوب
NFI	$0.9 \leq NFI \leq 1$	$0.9 \leq NFI < 0.95$	۰/۹۹	برآزش خوب
NNFI	$0.97 \leq NNFI \leq 1$	$0.95 \leq NNFI < 0.97$	۱/۰۰	برآزش خوب

جدول (۹). شاخص‌های برآزش مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم برای الگوی پژوهش (نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۹)

با توجه به شکل‌های ۵، ۶، ۷ و جدول (۹) می‌توان تفسیرها و تحلیل‌های زیر را درباره‌ی شاخص‌ها داشت:

شاخص RMSEA (ریشه مجذورات خطای تقریب) از صرفه‌جویی الگو طرفداری و الگویی را انتخاب می‌کند که همبستگی میان تعداد پارامترهای کمتری در آن وجود دارد (هوپر، کافلان و مولن^۱، ۲۰۰۸). مقدار این شاخص در الگوی ارائه‌شده برابر ۰/۰۴۲ است که مقادیر بین صفر تا ۰/۰۵ را نشان داده و الگو از برآزش خوبی برخوردار است.

شاخص X^2/df ، ۱/۵۷ محاسبه‌شده است که از ۲ کوچک‌تر و برآزش خوبی را نشان می‌دهد. از نظر کارشکی (۱۳۹۵: ۹۷) این مقدار نباید از ۲ بیشتر باشد و در مواردی هم‌عدد ۳ ملاک در نظر گرفته می‌شود. از نظر بولن^۲ (۱۹۸۹) در مورد مجذور کای به درجه آزادی مقدار زیر ۳ برآزش خوب است و حتی تا مقدار ۵ نیز به‌عنوان برآزش قابل قبول توصیه می‌شود (محمد داوودی، ۱۳۹۶: ۲۵۳).

مقادیر GFI، AGFI به ترتیب ۰/۹۸ و ۰/۹۹ محاسبه‌شده است که مقادیر بین ۰/۹۵ تا ۱

^۱ Hooper, Coughlan and Mullen

^۲ Bollen

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

برازش خوب الگو را نشان می‌دهد. همچنین مقدار AGFI برای مدل‌های خوب بین ۰/۹ تا ۱ است که در مدل حاضر ۰/۹۶ برآورد شده است.

مقدار NNFI نیز برابر ۱ است که مقادیر بین ۰/۹۷ تا ۱ برازش خوب الگو می‌باشند.

درنهایت، مقدار CFI برای این الگو ۱ محاسبه شده است که مقادیر بین ۰/۹۷ تا ۱ برازش الگو را نشان می‌دهد.

۵- نتیجه‌گیری

شناسایی موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان یک مسئله می‌تواند دارای اهمیت باشد، بنابراین، یک ارزیابی موفق و داشتن الگویی با معیارها، عامل‌ها، ملاک‌ها و نشانگرهای دقیق و صحیح می‌تواند این مهم را محقق سازد (افشاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲). پژوهش حاضر با هدف شناسایی نشانگرها و طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی انجام شد. متناسب‌سازی و بومی‌سازی الگوی مفهومی در بخش کیفی و اعتبارسنجی الگو در بخش کمی از دیگر اهداف این مطالعه بود. نتایج پژوهش نشان داد که الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی از ۳ معیار، ۸ عامل، ۱۹ ملاک و ۴۲ نشانگر (شکل ۴) تشکیل شده است که نشانگرهای هر معیار به شرح ذیل بررسی می‌شوند:

معیار (۱)، تناسب تدوین سیاست‌های فرهنگی: بر اساس یافته‌های این پژوهش، معیار تناسب از دو عامل تناسب سیاست/ برنامه‌ها و تناسب شکل‌گیری سیاست و ده نشانگر (جدول ۶) تشکیل شده است. الف) تناسب سیاست و برنامه‌ها: این عامل از دو ملاک (سطح سیاست و سطح برنامه‌ها) تشکیل شده است که نشانگرهای آن در فراترکیب یافته‌های پژوهش‌ها (در نظر گرفتن نیازها و خواسته‌های دانشجویان (۳۵)، تناسب با اقتضائات فرهنگی و چالش‌های پیش رو (۶)) و مصاحبه‌ها (انطباق سیاست‌های فرهنگی با نیازهای جامعه دانشگاهی (۱۹)، تناسب با ذائقه اساتید و دانشجویان (۱۷) (جدول ۵) می‌باشند. ب) تناسب شکل‌گیری سیاست: این عامل از سه ملاک (مسئله‌شناسی، روش‌شناسی علمی و مشروعیت بخشی) (جدول ۶) تشکیل شده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، نشانگر استفاده از شواهد و اطلاعات صحیح (۵۲) در فراترکیب یافته‌های پژوهش‌ها و نشانگرهای (نیازسنجی و بررسی وضع موجود (۹)، توجه به تنوع و تکثر فرهنگی (۱۱)، راه‌حل‌های صحیح، منطقی و واقع‌بینانه

(۱)، مشارکت دانشجویان و اساتید (۱۸)، واگذاری سیاست‌گذاری فرهنگی به دانشگاه‌ها (۱۹) در مصاحبه‌ها (جدول ۵) سه ملاک فوق را پوشش می‌دهند. یافته‌های تناسب تدوین سیاست‌های فرهنگی با معیار تناسب مارچ^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در راستای اهداف کلان و شرایط نظام آموزش عالی همخوانی دارد.

معیار (۲)، کارایی اجرای برنامه‌های فرهنگی: بر اساس یافته‌های پژوهش، معیار کارایی از سه عامل کارایی سیاست و برنامه‌ها، اجرای صحیح و رضایتمندی و مدیریت برنامه‌های فرهنگی و شانزده نشانگر تشکیل شده است (شکل ۴). الف) کارایی سیاست و برنامه‌ها: این عامل از دو ملاک (سطح سیاست و سطح برنامه‌ها) (جدول ۶) تشکیل شده است. نشانگرهای مستخرج از فراترکیب یافته‌های پژوهش‌ها (میزان ائتلاف منابع برای برنامه‌ها (۳۶)، میزان ساعات پرداختن به اوقات فراغت و امور فوق برنامه (۵۵)) و مصاحبه‌ها (قابل اجرا بودن نتایج نسبت به هزینه‌ها (۷)، تعامل سازنده میان سیاست‌گذاران و مجریان (۱۷)) (جدول ۵) ملاک‌های فوق را شکل می‌دهند. ب) اجرای صحیح و رضایتمندی: این عامل از دو ملاک (رضایت از برنامه‌ها و مشارکت در تشکیل‌ها) (جدول ۶) تشکیل شده است. نشانگرهای به‌دست آمده از یافته‌های مصاحبه‌ها (مشارکت در انجمن‌های علمی (۵)، مشارکت در کانون‌های فرهنگی و هنری (۵)، مشارکت و همکاری در تشکیل بسیج (۷) و رضایت از کرسی‌های آزاداندیشی (۱۱)) (جدول ۵) ملاک‌های فوق را شکل می‌دهند. ج) مدیریت برنامه‌های فرهنگی: این عامل از سه ملاک (قانونمندی و قانونمداری، اخلاقیات و زیبایی‌شناسی و موفقیت برنامه‌ها) (جدول ۶) تشکیل شده است. نشانگرهای به‌دست آمده از فراترکیب یافته‌های پژوهش‌ها (مشارکت گروه‌های ذینفع (۴۴)، افزایش توان و درک هنری و تقویت هویت ملی (۴۰)، ارتقای مهارت‌ها، احترام به محیط و تربیت شهروندی خلاق (۷) و مصاحبه‌ها (همبستگی میان سطوح سیاست‌گذاری (۱)، ارائه‌ی بسته کاملی از فرهنگ (هنر، موسیقی، شعر و...) (۶)، توانمندسازی و ایجاد انگیزه در دانشجویان (۹)، تربیت شهروند خوب (۱۳)) (جدول ۵) ملاک‌های فوق را پوشش می‌دهند. یافته‌های این پژوهش در زمینه‌ی کارایی سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی با یافته‌های فرنگ^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در تعریف پیتر دراگر از کارایی در جهت اجرای درست صحیح کارها و برنامه‌های فرهنگی همراستا هستند.

¹ March

² Freng

معیار (۳)، اثربخشی نتایج فعالیت‌های فرهنگی: این معیار از سه عامل اثرات سطح سیاست‌ها، پیامدهای بهبود برنامه‌ها، توسعه خروجی‌ها و منابع و شانزده نشانگر تشکیل شده است (شکل ۴). الف) اثرات سطح سیاست: این عامل از دو ملاک (سطح سیاست و مفید بودن شکل‌ها) (جدول ۶) تشکیل شده است. این دو ملاک را نشانگرهای مستخرج از فراترکیب یافته‌های پژوهش‌ها (اثر مثبت فرهنگی و اجتماعی نهادهای بسیج و جامعه دانشگاهی (۲)، گنجاندن ارزش‌ها در بیانیه مأموریت دانشگاه‌ها (۵۱)) و مصاحبه‌ها (تقویت و حمایت از میراث فرهنگی (۷)، دستیابی به اهداف تعیین شده (۱۳)) (جدول ۵) شکل می‌دهند. ب) پیامدهای بهبود برنامه‌ها: این عامل از سه ملاک (صلاحیت فرهنگی، فرهنگ نوآوری، دسترسی و عدالت) (جدول ۶) تشکیل شده است. نشانگرهای به‌دست آمده از فراترکیب یافته‌های پژوهش‌ها (افزایش سواد فرهنگی و داشتن حساسیت نسبت به محیط (۲۶)، پرورش افراد متعهد، وفادار و مسئولیت‌پذیر (۱۳)) و مصاحبه‌ها (ارتقای صلاحیت فرهنگی (دانش، نگرش، توانش و رفتار فرهنگی) (۶)، تقویت کار گروهی و تیمی (۱۳)، گسترش فعالیت‌های فرهنگی در فضای مجازی (۱۳)) (جدول ۵) سه ملاک فوق را پوشش می‌دهند. ج) توسعه خروجی‌ها و منابع: این عامل از دو ملاک (توسعه‌ی زیرساخت‌ها، توسعه انسانی و تحقیقات) (جدول ۶) تشکیل شده است. نشانگرهای به‌دست آمده از یافته‌های پژوهش‌ها (در دسترس بودن زیرساخت‌های فرهنگی در زمان مناسب (۳)، تقویت خدمات و پاسخگویی در نتیجه توسعه زیرساخت‌ها (۱۹)) و مصاحبه‌ها (کارآفرینی و تربیت نیرو و سرمایه انسانی فعال در جامعه (۲)، جهت‌گیری تحقیقات دانشگاهی به سمت اولویت‌های فرهنگی (۱۸)، افزایش کارآمدی روحی و روانی اساتید و دانشجویان (۱۲)) (جدول ۵) دو ملاک فوق را پوشش می‌دهند. یافته‌های این پژوهش در زمینه‌ی اثربخشی با تعاریفی چون میزان پاسخ به نیازهای مشتری (موسنگ، ۱۹۹۷:۲۴۹)؛ نتایج مرتبط با اهداف (وزارت فرهنگ و آموزش، ۲۰۱۱:۷) و میزان دستیابی به اهداف سازمانی (کاتاریا و همکاران، ۲۰۱۲) همخوانی دارد.

الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی متشکل از ۴۲ نشانگر معتبر حاصل از اعتبارسنجی توسط صاحب‌نظران آموزش عالی است. همچنین نتایج آزمون تک نمونه‌ای از بررسی نظرات در پرسشنامه نظرسنجی درباره‌ی الگوی مفهومی ارائه شده (شکل ۴) در طیف لیکرت نشان داد که با توجه به میانگین‌های به‌دست آمده ۳/۸۹، ۳/۹۴، ۳/۶۸ که بزرگ‌تر از میانگین فرضی (۳) می‌باشند، در مجموع، صاحب‌نظران موافقت خود را

با الگوی ارائه‌شده در زمینه‌ی معیارها، عامل‌ها، ملاک‌ها و نشانگرها اعلام کردند. در مجموع این الگو از ۳ معیار، ۸ عامل، ۱۹ ملاک و ۴۲ نشانگر تشکیل شده است. نتایج این بخش با پژوهش واعظی و همکاران (۱۳۹۴) از این جهت همخوانی دارد که تدوین نشانگرهای برتری در حوزه فرهنگ را برای سنجش تناسب تدوین سیاست‌ها، کارایی اجرای برنامه‌ها، و اثربخشی نتایج فعالیت‌های فرهنگی برای جامعه دانشگاهیان مفید می‌دانند. همچنین الوانی و شریف‌زاده (۱۲:۱۳۹۴) انجام ارزیابی با وجود یک الگوی بومی را برای توجیه برنامه‌ها و فعالیت‌ها، حمایت از سیاست‌ها، اصلاح برنامه‌ها و ارتقای آن‌ها ضروری می‌دانند. نتایج حاصل از اعتبارسنجی الگو در بخش کمی نیز نشان داد که الگو با $(RMSEA = 0.043)$ از برازش خوبی برخوردار است و عامل‌های هشتگانه دارای بار عاملی کافی جهت پیش‌بینی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی هستند. ضمن اینکه شاخص t در همه‌ی موارد از $1/96$ بزرگ‌تر بوده و نشانگرها دقت لازم برای اندازه‌گیری سازه‌های پنهان پژوهش‌دارا بودند. این پژوهش دارای محدودیت‌هایی در نمونه‌گیری از سایر ذینفعان (دانش‌آموختگان، دانشجویان و کارکنان) و مشارکت مصاحبه‌شوندگان در شرایط سخت کرونایی، عملیاتی کردن مفاهیم مانند سایر پژوهش‌های اجتماعی و ارزیابی نسبی گرایانه بود و با مطالعه مشتریان (۲۸۸:۱۳۸۹) که بر برنامه‌های فرهنگی کثرت‌گرایانه در کنار ارزیابی نسبی گرایانه و تحلیلی تاکید دارد همراستا است.

با تاکید بر شاکله الگوی ارائه‌شده در این پژوهش و استنباط پژوهشگران این مطالعه، پیشنهادهای کاربردی ذیل در زمینه‌ی پیشبرد اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی پیشنهاد می‌شوند:

- تغییر عنوان و ساختار معاونت فرهنگی فعلی دانشگاه‌ها به معاونت توانمندسازی و مهارت‌افزایی نیروی انسانی
- در نظر گرفتن یک کار ویژه‌ی فرهنگی در کنار آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی برای مؤسسات آموزش عالی
- تعریف کارنامه و نمره‌ی فرهنگی برای فعالیت‌های فرهنگی اساتید و دانشجویان
- ایجاد سامانه ارزیابی، نیازسنجی، ذخیره‌سازی و گزارش دهی سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها
- تربیت نسلی از مدیران فرهنگی با مکانیسم‌های پرورشی و مربیگری با اولویت به کارگیری دانشجویان دکتری

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

- استفاده از اساتید و دانشجویان دکتری به‌عنوان راهبران و کنشگران فرهنگی
- تهیه نرم‌افزار از الگوی ارزیابی این پژوهش جهت سنجش آنلاین، هوشمند و مستمر سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی مؤسسات آموزش عالی با کمک موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش و مطالعات انجام‌شده، موضوعات زیر برای پژوهش‌های آتی دانشجویان دکتری پیشنهاد می‌گردد:
- ارزیابی ادراک دانشجویان، دانش‌آموختگان و کارکنان از کیفیت سیاست‌گذاری فرهنگی سایر مؤسسات آموزش عالی بر اساس الگوی ارائه‌شده
- مطالعه تطبیقی نشانگرهای ارزیابی پژوهش با نشانگرهای ارزیابی موجود در اسناد بالادستی و بیانیه‌های رهبران سیاسی
- بررسی تجارب مؤسسات آموزش عالی کشورهای منتخب در زمینه ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی

منابع

- ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۹۳)، سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش عالی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۹۴)، سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش عالی، ایده، تجربه، راهبرد، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ایلی، خدایار (۱۳۷۶)، ارزشیابی و ارزیابی جاری در آموزش عالی، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی ایران، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۳۳۱-۳۴۵.
- ایلی، خدایار؛ پورکریمی، جواد؛ حاج خزیمه، مجتبی؛ حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۹)، شناسایی مؤلفه‌های توسعه حرفه‌ای مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (یک مطالعه فراترکیب)، فصلنامه علوم دریایی، صص ۱۸-۱.
- اسمیت، کوین و کریستوفر لایمر (۲۰۰۷)، درآمدی بر نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ تقابل نظری عقلانیت‌گراها و فرا اثبات‌گراها، ترجمه‌ی حسن دانایی‌فرد، ۱۳۹۲، چاپ اول، تهران، انتشارات صفار.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۹)، متغیرهای استراتژیک در سیاست‌گذاری فرهنگی، انتشارات میزان.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- اشتریان، کیومرث؛ فاضلی، نعمت‌الله و ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۹۲)، گزارشی از نشست سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزش عالی، سرویس سیاست‌گذاری علم و فرهنگ.
- افشاری، عبدالرحمن؛ توسلی رکن‌آبادی؛ مجید و شریفی، سعید (۱۳۹۷)، نوع‌شناسی چالش‌های تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، سال سیزدهم، شماره ۳۶، صص ۳۵-۹.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۹۱)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، چاپ شانزدهم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- الوانی، سید مهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۴)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، چاپ دوم، تهران، نشر نیاز دانش.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۳)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

علوم رفتاری، نشر دیدار، تهران.

- بازرگان، عباس و فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶)، نظارت و ارزیابی در آموزش عالی، تهران، انتشارات سمت.

- بیگی، وحید (۱۳۹۷)، مبانی و نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی، ویژه آزمون دکتری مدیریت دولتی، انتشارات نگاه دانش.

- بیگدلی، محمد و رشیدپور، علی (۱۴۰۰)، طراحی الگوی ارزیابی اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال شانزدهم، شماره ۴۶، صص ۷۵-۴۹.

تسلیمی، محمد سعید (۱۳۹۶)، تحلیل فرایند خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، انتشارات سمت.

توسلی، غلام عباس (۱۳۷۸)، بحران‌ها و آسیب‌های فرهنگی و ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش آن، مقالات برگزیده همایش نقش و جایگاه دولت در توسعه فرهنگی، سازمان برنامه‌وبودجه، معاونت امور فرهنگی، آموزش و پژوهش، جهاد دانشگاهی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

- توفیقی، جعفر (۱۳۹۷)، سیاست‌گذاری در آموزش عالی، سلسله مباحث کلاس‌های دکتری

تخصصی مدیریت آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

- توفیقی، جعفر (۱۳۹۸)، استقلال دانشگاه‌ها، گردهمایی اعضای کارگروه تخصصی و

برنامه‌ریزی گسترش آموزش عالی، ۲۸ فروردین‌ماه، دانشگاه تربیت مدرس.

- جواهری، فاطمه (۱۳۹۸)، سیاست‌های فرهنگی در دانشگاه‌های دولتی ایران پس از انقلاب

اسلامی، انتشارات دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم؛ تحقیقات و فناوری.

- جهان‌بین، فرزاد (۱۳۹۷)، باغبانی فرهنگ: مدیریت فرهنگ در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه-

ای، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۵۳، صص ۱۰۳-۱۲۶.

- جهان‌بین، فرزاد (۱۳۹۹)، شاخص‌های ارزیابی حوزه فرهنگی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی،

گزارش ایلنا.

- حسنی، رضا؛ نظامی پور، قدیر؛ بوشهری، علیرضا؛ آذر، عادل؛ قربانی، سعید (۱۳۹۵)، طراحی

مدل تأثیر آینده‌نگاری بر سیاست‌گذاری علم فناوری و نوآوری در سطح ملی با استفاده از روش مدلی
یابی معادلات ساختاری، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال ششم، شماره ۱، صص ۳۴-۲۱.

- حقیقی کفاش، اسماعیل؛ اکبری، مهدی و اکبری، محمدرضا (۱۳۹۲)، ارزیابی عملکرد در

- سازمان‌های فرهنگی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- خاشعی، وحید (۱۳۹۷)، مورد کاوی در سیاست‌گذاری فرهنگی، نشر فوژان.
- خواجه سروی، علیرضا؛ علی احمدی، علیرضا؛ معینی، علیرضا و دزفولی، مصطفی (۱۳۹۱)، طراحی و اجرای مدل عمومی ارزیابی پیشرفت فرهنگی - اجتماعی در دانشگاه‌ها، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱، صص ۴۱-۲۳.
- دانش فرد، کرم‌الله (۱۳۹۴)، مبانی خط‌مشی‌گذاری عمومی، چاپ دوم، تهران، نشر نیاز دانش.
- دفت، ریچارد. ال (۱۳۷۸)، تئوری و طراحی سازمان، ترجمه‌ی علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۷)، آشنایی با موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، سلسله سمینارهای تخصصی مدیریت آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- رایینز، استیفن پی (۱۳۹۳)، رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها)، ترجمه‌ی علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ شانزدهم.
- زارعی، محمدحسین و مرادی برلیان، مهدی (۱۳۹۳)، معرفی و جایگاه اصل تناسب در حقوق اداری با نگاه ویژه به نظام حقوق اتحادیه اروپایی، تحقیقات حقوقی، شماره ۶۶، صص ۱۸۳-۱۳۵.
- سلطانی گرد فرامرزی، علی‌محمد (۱۳۹۰)، مدل ارزیابی سیاست‌گذاری فناوری نانو در ایران، رساله دکتری تخصصی رشته مدیریت تکنولوژی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
- شریفی، سید علیرضا و فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱)، واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌ها و راهبردها)، مجلس و راهبرد، دوره ۱۹، شماره ۶۹، صص ۹۰-۵۵.
- صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی دولت‌آبادی (۱۳۸۷)، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- غفرانی، حسین؛ فتاح زاده، امیرعباس؛ مالی، یونس؛ مومنی، فرشاد و واعظ مهدوی، محمدرضا (۱۳۸۲)، گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳، اهداف توسعه هزاره: پیمانی میان ملت‌ها برای پایان دادن به فقر، تهران، موسسه فرهنگی ابن‌سینای بزرگ، ۵۲.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷)، فرهنگ دانشگاهی در ایران و بریتانیا: مطالعه تطبیقی در علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران، در فرهنگ و دانشگاه، تهران، نشر ثالث.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹)، سیاست‌گذاری فرهنگی از منظر مطالعات فرهنگی، مجموعه

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.....

سخنرانی‌ها، پرسش و پاسخ‌های اساتید و دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد.

- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸)، دانشگاه ایرانی و مسئله کیفیت، تهران، موسسه انتشارات آگاه.

- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹)، بررسی الگوی تعاملات آموزش عالی و دانشگاه با سایر نظام‌های

تولید و خدمات، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شماره ۵۷، صص ۶۴-۴۵.

- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۹۶)، تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، انتشارات

سمت.

- کارشکی، حسین (۱۳۹۵)، روابط ساختار خطی در تحقیقات علوم انسانی، انتشارات آوای نور.

- گرجی‌پور، حسین؛ خاشعی، وحید؛ اسلامبولچی، علیرضا و اصغری صارم، علی (۱۳۹۸)،

الگوی ارزشیابی فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، با رویکرد مطالعه کیفی اسناد فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۷۲-۴۷.

- محمد داودی، امیرحسین (۱۳۹۶)، کاربرد آمار استنباطی پیشرفته در علوم رفتاری، انتشارات

آوای نور.

- محمدی، علی و ستوده، فیروزه (۱۳۹۳)، مقایسه کارایی نظام ملی نوآوری در ایران و

کشورهای هدف در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، مطالعات مدیریت راهبردی. شماره ۲، صص ۵۱-۳۷.

- منوریان، عباس (۱۳۹۶)، تحلیل خط‌مشی عمومی، مفاهیم، رویکردها، مدل‌ها و فرایندها،

موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

- نادری، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، مباحث پیشرفته در اقتصاد آموزش؛ کارایی و اثربخشی بیرونی،

انتشارات دانشگاه تهران.

- نصیری، علیرضا؛ ایلی، خدایار؛ پورکریمی، جواد و کرامتی، محمدرضا (۱۴۰۱)، طراحی

الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش عالی، رساله دکتری تخصصی مدیریت آموزش

عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

- نوید ادهم، مهدی و صادق زاده قمصری، علیرضا (۱۳۹۴)، طراحی الگوی سیاست‌گذاری

فرهنگی نظام آموزش و پرورش، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره پانزدهم، ۱۵۳-

۱۳۵.

- نیاز زاده، گلایول؛ براتلو، فاطمه؛ صالحی امیری، سید رضا؛ قیومی، عباسعلی و رضایی، علی‌اکبر

(۱۴۰۰)، رتبه‌بندی مؤلفه‌های تأثیرگذار در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه

با زبان‌های خارجی، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال شانزدهم، شماره ۴۷، صص ۶۵-۴۱.

- هاوالت، مایکل و رامش، ام (۲۰۰۹)، مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه‌ی عباس منوریان و ابراهیم گلشن، ۱۳۸۰، چاپ اول، تهران، مرکز آموزشی مدیریت دولتی.
- Aguinis, H.(2005), Performance management. New Jersey: Pearson, Prentice Hall.
 - Arnold, E.(2004). Evaluating research and innovation policy: a system world needs systems evaluations. Research Evaluation, 13(1), 3-17. <https://doi.org/10.3152/147154404781776509>
 - Bollen, K.A.(1989), Structural equations with latent variables. New York: Wiley.
 - BIS.(2010), Impact assessment toolkit: a guide to undertaking an impact assessment and completing the IA template. London: Department for business, innovation and skills.
 - Cascio, Wayne.F.(2009), Managing human resources. 8th edition, Mc Gram. Hill professional publishing.
 - Danish, R. Q., Muniv, Y., & Butt, SS.(2012), Moderating role of organizational culture between knowledge management and organizational effectiveness in service sector: World Applied Sciences Journals, 20, 45 – 53.
 - Fahrenkrog, G., Polt, ww., Rojo, Tuke, A., Zinocker, K, Eth, S.A, Boden, M. Buhrer, S. UIB, H.c., & M.c(2002). RTD evaluation tool box, European Commission.
 - Freng, F., Wang, B., Zou, Y. & Du,Y.(2013), A new internet DEA structure. Measurement of Chinese R & D innovation efficiency in high technology industry. International Journal of Business and Management, 8(21), p.32.
 - Hooper, D., Coughlan, J.,Mullen, M.(2008), Structural equation modelling: Guidelines for determining model fit. Electronic Journal of Business Methods. 6(1), 53 – 60.
 - Lengrand, L.(2006), Smart innovation. A political guide to evaluating innovation programs. European commission.
 - Klataria, Aakanksha; Garg, Pooja; Pastog., Renu.(2012), Employee engagement and organizational effectiveness. The role of organizational citizenship behavior, International Journal of Business Indights & Transformation, Vol, 6 issue 1.
 - March, J.G. and Olsen, J.P.(2019), The logic of appropriateness. Arena. Center for European studies. University of Oslo.
 - Ministry of foreign affairs(2009), Evaluation policy and guidelines for evaluations. Policy and operations evaluation department.
 - Ministry of education and culture(2011), Effectiveness indicators to

طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

strengthen the knowledge base for cultural policy. Finland.

-Moseng, B.(1997), Productivity measurement. Theory and practice. Springer science & business media New York, 248 – 260.

-Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007), Handbook for synthesizing qualitative research. Springer Publishing Company. New York.

-Sink and Tuytte.(1989), Planning and measurement of your organization in the future. Norcross, USA: Industrial Engineering and Management press